

لرزم رهبری طبقه کارگر

نبضتی که سرتاسر ایران را فرا گرفته است و هر روز به دامنه تجربه و غنای سیاسی آن افزوده میگردد و اشکال متنوعتر و هماهنگتری مییابد، به لایحه کارگابیتها "آشتی ملی" شریف امامی را نیز یکسره کرد و نقطه سی پایانی بر یکی دیگر از توطئه های امپریالیستهای امریکا -

فی و دربار پهلوی نهاد. چنانکه در شماره پیشین "حقیقت" نیز خاطر نشان ساختیم، کابینه ی "آشتی ملی" شریف امامی چند روزها طی که کوشش مینمود با وعده و نیرنگ "آزادیهای اعطائی" دل مردم را به دست آورد و چه به هنگامی که در برابر جنبش خشم آگین ملیونها نگران مردم آزادی ایران که دست زد به سینه ی تعامی این وعده ها زندید، بدستور شاه و اربابان امریکائیس، با حکومت نظامی توأم گردید، به استقلال چیزی جز لایق شکست زد وین و مقتضای تعامی شتافت، چنین دگرگشتی و ضد امپریالیستی مردم ایران مذتهاست که آن مزاحلی را که با تغییر این یا آن منبری ارتجاع و تهدید این یا آن تراق زان می بگازد نه برست، بنواند به بی راهه های قریب کشانیده شود و یا موعوب گردد پشت سرگدازه است و این را همه جز در اردوستان راهزن و جنایت پیشی دربار پهلوی و اربابان امریکائیس، به آشکارترین وجه ممکن می بینند.

اعلام حکومت نظامی در ایران، چنانکه در شماره ی پیشین نیز گفتیم، به ایجاد بحران سیاسی جامع ایران و سر قی شدن آن، به شدت افزود. مبارزات مردمی مردم و وسعت و دامنه ی بیشتری یافت و تعامی شهرها ی ایران را شعله های فروزان مبارزات خشمگین ملیونها نقر از مردم مستندیده و آزاد می ایران فرا گرفت. اندیشه ی مقابله مسلحانه در برابر ارتش شاه، که در ماههای اخیر رفته رفته در افکار آن توده های مردم شکل میگرفت، در دوره ی پس از جمعه خونین ۱۷ شهریور، برسر نه هسن و فکر توده های مرماب و وسیع تری از مردم از توجه خود نمود و گروههایی از مردم در مبارزاتی از روی روی با ارتجاع نه تنها به دفاع مسلحانه مبادرت ورزیدند بلکه شاه هد نمونه هایی از تعرض مسلحانه گروههای مسلح مردم نیز بودیم.

با این همه، شاید بهترین عامل جدیدی که نه تنها شکست کابینه شریف امامی را سرعت به مراتب بیشتری بخشید بلکه تأثیرات شگرفی بر کل مبارزات جاری باقی گذارد و از این پس نیز نقش بسیار مهمی در مبارزات مردم ایران ایفا خواهد نمود، ورود مستقلاهی طبقه کارگر به عرصه ی مبارزات سیاسی جامعه و همراه با آن، آغاز اختصایات سیاسی کارگری بود. که برسرست با اختصایات سیاسی کارمندان، معلمین و دیگر اقشار و اصناف مختلف همراه گردید و بصورت یکی از اصحاب عمومی سیاسی تعامی رشتند. های تولیدی و خدمات را فرا گرفت.

اختصایات سیاسی کارگران صنعت نفت که بصورت با اختصایات سیاسی کارگری در دیگر رشته ها و لایحه با اختصایات سیاسی کارمندان، معلمین و... همراه گردید، با یکبارگی بنظیری که از خود بروز داد و خواستهای دگرگتیک و استقلال، طلبایتهای که با روشن بینی خاصی تدوین و ارائه داشت، به بهترین وجهی توان و نیروی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ایران را به نفعی ظهور رسانید.

لنن گفته بود که "تمامی جزخبا از حرکت باز میماند. اگر با زوان توانای تو ارائه کنند، های کارگر! طبقه کارگر ایران و دیگر اقشار زحمتکشان جامعیت ما، نظیر معلمین و کارمندان جز به بهترین وجهی این سازوان توانا و آزاد می پولادین را بکار گرفتند و بخاطر تحقق عادلانه ترین خواستهای دگرگتیک و ضد امپریالیستی کلبی زحمتکشان و دیگر مبین پرستان و آزاد بخاوهسان ایران، تعامی جزخبا را از حرکت باز داشتند. و بدین ترتیب، نه فقط از ادافسه ی خیال و غارت روزانه میلیاردها تومان از کوششهای طبیعی و زردی محصول کار زحمتکشان شرافتمند ایران بوسیله ی ارتجاع ایران و اربابان امریکا -

در باره تئوری

"سه جهان" (۶)

مختص بین خلقها و ملل متعدده

جهان کیاستند ۲

ملفین تئوری "سه جهان" اعلام کرده اند که "قبل از جنگ جهانی دوم مبارزه ضد امپریالیستی ملل مستندیده غالباً فاقد پشتیانی محکم و مداوم جهانی بود. اما امروز اوضاع بگونه دیگری است. پشتیانی مقابل کشورهای جهان سوم و متجمله کشورهای سوسیالیستی از یک یگر و پشتیانی مقابل نیروهای مخالف تجاوز و پرولتاریای بین المللی از یک یگر، کشورهای و خلقهای جهان سوم را قادر ساخته است تا نقش به مراتب مؤثرتری بخانه نیروی عدله در مبارزه علیه امپریالیسم و همزیسم ایفا نمایند." (خبرنامه یکن - شماره ۴۵ - ۱۹۷۷) این حکم نیز جز یک تحریف تاریخی و جز مخدوش کردن صوفی خلق و ضد خلق و جز فراموش کردن پشتیمان واقعی مبارزه خلقها و ملل مستندیده جهان نیست، خوب دقت کنید! "قبل از جنگ دوم جهانی مبارزه ضد امپریالیستی ملل مستندیده غالباً فاقد پشتیانی محکم و مداوم جهانی بود. و حال" اوضاع بگونه دیگریست" پشتیانی مقابل کشورهای جهان سوم از یک یگر (که ماهیت مبارزیشان بر طبقه امپریالیسم را بیشتر نشان داد) بود. پشتیانی مقابل شان هم خارج از این مقوله نیست) و از جمله کشورهای سوسیالیستی (یعنی پائین آوردن نقش کشورهای سوسیالیستی تا حد زیرمجموعه و یا در نهایت میانه حال) و "پشتیانی مقابل نیروهای مخالف تجاوز" (در بخشهای گذشته نشان دادیم که منظور از ملفین تئوری "سه جهان" از نیروهای "مخالف تجاوز" در واقع امپریالیستهای اروپایی و ژاپنی و نیز ژانگی امریکا میباشد) و پرولتاریای جهان (بینیند پرولتاریا را به چه اجتناب و در گمار چه کسانی می کشانند) از یک یگر "کشورها و خلقهای جهان سوم را قادر ساخته است تا نقش به مراتب مؤثرتری بخانه نیروی عدله در مبارزه علیه امپریالیسم و همزیسم ایفا نمایند."

آیا مبارزه ضد امپریالیستی ملل مستندیده جهان در قبل از جنگ جهانی دوم غالباً فاقد پشتیانی محکم و مداوم جهانی بود؟ آیا پشتیمانان ملل مستندیده جهان در مبارزه علیه امپریالیسم، زیرمجموعه مرجع کشور های سه قاره و امپریالیستهای رنگارنگ اند؟ به هیچ رو! با وجود آمدن انترناسیونال سوم در پایان جنگ جهانی اول و طرفداری سوسیالیسم، پرولتاریای جهانی تحت رهبری لنن سنگر مستحکم دفاع از مبارزه ضد امپریالیستی خلقها و ملل مستحکم جهان را بوجود آورد و در ادامه آموزشهای مارکس و انگلس نشان داد که منافع پرولتاریای غرب و انقلاب سوسیالیستی با منافع خلقها و ملل مستندیده شرق پیوندی ناگسسته دارد. اپورتونیستها انترناسیونال دوم اساساً از مبارزات ضد امپریالیستی ملل مستعمره و مستندیده حمایت نکرد و در نهایت برای آنها فقط "آزادی فرهنگی" و امثالیم را قائل بودند. است. کین خاطر نشان میکند که از جمله پایه های اساسی لننیمس در برخورد به مساله ملی و مستعمرات آنست که "منافع جنبی پرولتاریائی در کشورهای پیشرفته و جنبی رهاگتیک ملی در مستعمرات حکم میکند که این دو نوع جنبش انقلابی در یک جبهه متحد بر طبقه دشمن واحد امپریالیسم ترکیب شوند." و "پیروزی طبقه کارگر در کشورهای پیشرفته و آزادی خلقهای مستندیده از یوغ امریکا - ایسم بدین تشکیل و تحکیم یک جبهه واحد انقلابی امکان پذیر نیست" (استالین - مساله ملی)

احزاب پرولتاری تحت رهبری کمیتین و لنن در آن دوران دقیقاً به انجام چنین کاری همت گماشتند. و پس از انقلاب اکثر انقلابی که در حقیقت در بران تازه ای را در تاریخ بشریت گشود، این پشتیانی و حمایت در اساس از طرف طبقه مستحکم انقلاب جهانی، شوروی سوسیالیستی صورت میگرفت و بقول استالین "انقلاب اکثریت عصر نوین، یعنی عصر انقلابهای مستعمراتی را افتتاح نمود" است که در کشورهای مستعمره جهان در اتحاد با پرولتاریا و تحت رهبری پرولتاریا انجام خواهند گرفت" (استالین - جنبه بین المللی انقلاب اکثر) و "بدین ترتیب میان باختر سوسیالیستی و خاور اسیر ملی کشیده و یک جبهه جدید است. انقلابات علیه امپریالیسم جهانی از پرولتاریا های باختر از طریق انقلاب روسیه تا ملل مستندیده خاور ایجاد کرده است" (انقلاب اکثر و مساله ملی - استالین

نگاهی به بحران اقتصادی ایران

بحران انقلابی گوی جامع ایران و بیباخیزی سرتا - سرتا توده های خلق که در مسیر درهم شکستن قدرت و سلطه سیاسی رژیم شاه در حرکت است، بر زمینه یک بحران عمیق و شکننده اقتصادی که علام آن از چند سال پیش آشکار شده و امروز به مراتب وخیم تر از گذشته عریان گردیده است، جریان دارد. بررسی هشمارانه بحران اقتصادی ایران بمنظور درک کم و کیف مبارزه طبقاتی کوشی و سمت و سوی آن و انشای دسایش و برنامه های ارتجاع و کوشش برای ارائه برنامه و راه حل صحیح اجتماعی و اقتصادی به توده ی مردم برای خلاصی از این بحران، ضرورت کامل دارد.

بحران اقتصادی کوشی ایران اساساً ناشی از علل مختلفی است. این بحران عموماً ناشی از گسترش سلطه امپریالیسم بر اقتصاد ایران، اضمحلال هر چه بیشتر و پیوسته تر شدن مناسبات تولیدی (حاکم گسترش مناسبات تولیدی سرمایه داری بوروکراتیک و کمربند زوری و سخت جانی مناسبات تبعه فئودالی) و تشدید تضاد این مناسبات تولیدی با نیروهای مولده و آنهم مهم ترین جز آن یعنی زحمتکشان جامعه میباشد. علاوه بر این بحران بطور مشخصی ناشی از چند عامل است. یکم، بکل نشستن کوشی "انقلاب سفید". دوم، انتقال بحران اقتصادی سرمایه داری بین المللی با ایران و عکس العمل خائنه رژیم شاه در این رابطه و سوم، نتایج مخرب افزایش درآمد رژیم از نفت بکلیت مناسبات وطن و براد نه رژیم (و پیوسته سیاست نظامیگری آن) و با بهار دگر تاثیر زهرآگین در آمد نفت بر اقتصاد و شرایط زندگی توده زحمتکش در عرض مردم گذار بر برد های بی شمار توده. دلامت گسترش سرمایه بوروکراتیک که بخصمت ریائی - دلامت آن تحت رهبری باند داریا گسترش پرور فاشیستی و اختناق بیمانندی در عرصه سیاسی، جامعه همراه بوده است. در مدت ۵۰ سال گذشته و پیوسته پس از بالارتن قیمت نفت، رژیم شاه از یکطرف عرصه های اقتصاد ایران را با ایجاد بروی تاخت و تاز سرمایه و کالا های امریکا - لیستی باز نمود و از طرف دیگر بنحو بیسابقه ای ارکان اقتصادی از قبیل تولید، توزیع و دولتی و نزل خواری و زمین بازی را بزور و جنگ خود متمرکز گردانیده (به ضمیمه این مقاله در مورد داراییهای بنیاد پهلوی توجه کنید). و ستم و استثمار بر توده زحمتکش ایرانی و حسی اقتدار سوسیالیست جامعه مارکسیست افزایش نمود. رژیم شاه کشاورزی ایران را نابود و صنایع بقواره ایران را راکد و تجارت خارجی ایران را منضیل و بازار ایران را ورشکسته و دولت دست نشانده را به افلاک کشانید. رژیم سرسپرد پهلوی سرمایه های اقتصاد ایران را هر چه بیشتر وابسته به امپریالیسم نمود تا شرایط جزین خوکان امپریالیستی در همین مانعواختن تامین گردیده و خود و دار و دسته هیئت حاکمه ایران از پس ماندن این خوکان امریکا - لیستی قریه شوند.

حد و سال پیش در شرایطی که شیوچیان ارتجاع ایران با اشاره به افزایش درآمد نفت همانند شخته های مست دربار "جزیره ثبات" و "دروازه های تمدن بزرگ" عرضه می کشیدند، و هموختن بخشهایی از جنبش نیز با اشاره به افزایش درآمد نفت از واقعیت اقتصاد ایران و تکوین تضاد ها و شرایطی جامع تحلیلهای بغایت اندرونی ارائه می دادند نوشتیم: "برخلاف تضورات نام درست و استنتاجات انحرافی گروههایی از جنبش کمور نشستی و انقلابی ایران رژیم شاه نه در حال تثبیت موقعیت خود بلکه در سرانته سقوط و ورشکستگی است. این تضورات نام درست بیش از هر چیز از عدم درک ایمن واقعیت سزوشده میگذرد که خود بدینتهای ناشی از وابستگی و عقب افتادگی اقتصاد ایران که خاصه بدلیل وجود رژیم استبدادی فاشیستی در رأس قدرت و قبضه شدن اساسی ترین ارکان اقتصاد جامعه در دست سرمایه داری بوروکرات و ولتی شدت یافت امکان استفاده و بهره برداری از درآمد عظیم نفت را نداشته و بناچار آنرا در مجاری نظامی و غیر تولیدی حیف و میل کرده و یا به جیب مفت - خواران دربار و اربابان نشان میریزد."

ما بعکس بر این باوریم که در هیچ دوران دیگری از زندگی ننکین و بر خیزات رژیم "انقلاب سفید" این رژیم تا بدین پایه دستخوش بحران و تناقضات داخلی نبوده است. و در هیچ زمانی مانند امروز امکان سرنگونی رژیم

لزم، ... لیستشان جلوگیری نمودند، بلکه با تلفیق احزاب سیاسی عمومی با نظامیان و توده ای، ضربات هوشناکی بر پیکر رژیم مزدور و ضد دیکتاتیک پهلوی وارد ساختند.

بر نتیجه‌های پیشین و نسبت که از میان طبقات مختلف مردمی جامعه ما، طبقه کارگر ایران اولین طبقه‌ای بود که به مبارزه برخاست و دیگر طبقات جامعه راه مبارزه دعوت کرد و کشید، به جرئت میتوان ادعا نمود که در تمام طول این دوره از مبارزات مردم ایران، یعنی از پس از ۱۰۵ خرداد ۱۳۰۶ به بعد، برخلاف طبقات میانی جامعه که غالباً به تمکین اوضاع متداوله بودند، طبقه کارگر ایران هرگز عرصه مبارزه را رها ننمود. هنوز خاطره تسابن کارگران "جهان جیت" و دیگر کارگران قهرمانانیکه در سیاهترین دوره‌های تیره و اختناق رژیم پهلوی و در زمانیکه بسیاری از دیگر اقشار و طبقات مردمی جامعه به تمکین به اوضاع متداوله بودند، در برابر توده‌های مردم رژیم ایستادند و مبارزه کردند و با خون پاک خود درفش سرخون جنبش کارگری ایران را برافراشته نگه داشتند و در قلب همی کسانی که دل در گرو استقلال و آزادی ایران می‌نشانند، باقی است.

در یکساله اخیر نیز که اوج روز افزون مبارزات توده ای مردم ایران عرصه را هر روزه بر رژیم شاه تنگ تر نموده است، توده‌های کارگران همراه با دیگر زحمتکشان شهرها و روستا قهرات اصلی جنبش‌های توده‌ای را تشکیل داده اند.

با این حال و این اولین بار در دوره مبارزات کنونی بود که طبقه کارگر ایران، به مثابه یک طبقه مستقل وارد عرصه مبارزه سیاسی پیشین، پیش از این، مبارزات این طبقه صرفاً حالت اقتصادی داشت و یا بصورت شرکت توده‌های کارگر در مبارزات سیاسی توده‌های مردم بود، و در هر حال، از حرکت مستقل و سیاسی این طبقه خبری نبود. احزاب سیاسی یکپارچه‌ای که طبقه کارگر ایران کما احتساب کارگران قهرمان صنعت نفت گسترش وسیعی یافت، اولین حرکت مستقل و سیاسی این طبقه در این دوره از مبارزات دیکتاتیک و استقلال طلبانه مردم ایران بود.

و چه آغاز شکوهندی! هیچ طبقه‌ای در کل طول تاریخ ایران، با چنین صلابت و شوکوهی و روح مستقلانهی خویش را به عرصه مبارزات سیاسی اعلام ندانسته است. نیروی بی‌توانی که طبقه کارگر ایران در این مبارزات از خود، بعضی ظهور رسانید، روشن بینی شوکتی که در تعیین خواستههای سیاسی، دیکتاتیک و ملی اختصاصات خود بروز داد، یکپارچگی و وحدت بی نظیری که در خود ایجاد نمود و ضربات شکننده‌ای که بر منافع اقتصادی و ارکان سیاسی رژیم مزدور شاه و غارتگران امپریالیستی وارد آورد. و همه همین قابلیت‌های این طبقه تاریخی جامعه ما، و نقش ارزنده و پراهمیتی است که طبقه کارگر ایران در کل مبارزات آزادی بخش و دیکتاتیک مردم ایران در اواسط این مبارزات جایگاه تاریخی این طبقه و مسئولیت مهمی که به عهده‌ای این طبقه است، را باز می‌نمایاند و مشخص می‌دهد. این است که این طبقه، با کوشش و فعالیت‌های جنبش کمونیستی و به همت قابلیت‌های عظیم خویش و سرعت بسیار اجزای جایگاه مناسب خود، در صد جنبش دیکتاتیک و استقلال طلبانه مردم ایران گام بر میدارد.

این باطنی اشکال مبارزه و گسترش سرشاری آن، جهان عرصه را بر رژیم پهلوی و اربابان آمریکاییش تنگ نمود که دیگر حتی توانایی تخمین برنامه ها و اهداف کوتاه مدت را نیز از آنان سلب نمودند و مورد استیصال و درماندگی رژیم همین بس که در طی کتر از دو روز در روزهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ آبان سراسیمه سه آلترا تیبو مختلف را انتخاب نمود و در همه آنها نیز با شکست روبرو گردید. ابتدا، هنوز به ادعای کابینه "آشتی ملی" شریف امامی تمام با حکومت نظامی برخورد نمود، سپس به تشکیل کابینه "ائتلاف ملی" دیکرامینی و برخی افراد مخالف ر و ی آورد، از آن که نا امید شد از آقای دکتر کریم سنجابی رهبر جنبه ملی برای تشکیل کابینه دعوت نمود و از اینجا که جواب رد شنید، سراسیمه به تشکیل "کابینه قزاقان" مسل گردید. و این همه کج و راست رفتن، انتخابات گوی ناگین، "راه حل" های فاسد سیاسی، آمهم در طی زمانی کمتر از دو روز، اوج استیصال و درماندگی رژیم و اربابان آمریکاییش را به بارزترین وجهی نمایان میسازد. نه نشانه قدرت رژیم، بلکه نشانه ضعف استیصال و زمانی ندگی کامل اوست. در واقع، حتی برنامه و "راه حل" خود نیز نیست. رژیم و اربابان آمریکاییش امید وارد تا بدین وسیله یک "راه حل" موقتی برای بدست آوردن فرصت فراهم آوردند و آنچه را از طریق حکومت نظامی پنهانی حاصل

نگردید، و ارباب بضر و دولت نظامی و حکومت نظامی بدست آوردند. بهمین دلیل است که سرگرد قزاقان رژیم ازهاری در نظقیه خویش ضمن تمهید به مردم، بارها به موقتی بودن کابینه خود اشاره نموده و هشاد در بیامی که بناست استعرا در وقت نظامی ایران نمود، به زبان بی زبانی از کرده‌های گذشته خود و اعوان و انصارش "تمه" نمود. اما مردم ایران نیز به تدبیرات این قزاقان ردل و بیگانه سرست مردمی خواهد ساخت و نه تمه شاه به آشتی خواهد کشید. مردم هم به در ماندگی و ناتوانی عظیم سرگرد و قزاقان شاه در برابر مبارزات خویش آگاهند، هم با بنگه اگر این دولت نظامی موقتی است فقط و فقط بعلمت مبارزات حق طلبانه آنست. این را هم به نیکی دریافته اند که "تمه گریگ است". بین هیچ راه گزینی برای کابینه قزاقان نیز نیست و سریشی جز آنچه بر سر کابینه "آشتی ملی" شریف امامی آمد در انتظار او نیست. اندامه موقتیست آمیز اختیارات سیاسی کارگران نفت و کارگران دیگر رشته‌های تولید، کارمندان و معلمین و نظرها را نگردد، ای که هر روز در شهرهای مختلف ایران براه میافتد حاکی از آنست که "کابینه قزاقان" شاه نیز نتوانسته است هیچ مشکلی را از مقابل رژیم بردارد و سرعت نسبی سریش متحدم خویش میثابت.

بدیده ما رژیم شاه و امپریالیستهای آمریکایی قادر به یافتن هیچ راه خروجی از بحران اقتصادی و سیاسی کنونی و هیچ برنامه‌ای برای جلوگیری از رشد و انکشاف مبارزات مردم نیستند. بنابراین آنچه از حرکت اعتلای سریش با برنامه‌ها و مشکل در جنبش مردم جلوگیری بعمل می‌آورد را اساساً باید در تارکات آنها و کمبودهای بخش آگاه و مشکل جنبش، یعنی در حوزه عمل نیروهای سیاسی مشکل جستجو کرد. با آنکه کوچکترین تردیدی در انکشاف باز هم بیشتر مبارزات طبقاتی در ایران و پیشرفت موج خیز جنبش دیکتاتیک و استقلال طلبانه مردم ایران جایز نیست، از هم اکنون تأکرات سوادقتان یک رهبری با برنامه و مشکل و تماماً انقلابی را بر آهنگ رشد مبارزات مردم بخشی میتوان مشاهده نمود. حفظ یک آهنگ رشد سریع و هماهنگ، در جنبش مردم، از این پس، پیش از این، یک سیاست، برنامه و سازماندهی واقعی انقلابی و منطبق با نیازهای فزاینده حرکت اعتلای جنبش بسطوح عالیتری از شکل و مبارزه نیازمند است. و جنبش سیاست، برنامه و سازماندهی ای هم بر بنای قانونمند، بیای عام جنبشهای دیکتاتیک و استقلال طلبانه در عصر حاضر و هم بکم تجربیات و شواهد روز افزون همین مبارزات یکساله اخیر، از عهدی هیچ یک از نیروهای سیاسی حاضر جز جنبش کمونیستی ایران بر نمیآید.

بطور کلی نیروهای سیاسی بیروزی ملی و بخش مهمی از نمایندگان سیاسی خود و بیروزی ایران به بن بخت منطقی خود رسیده‌اند. جنبه ملی ایران که با طفر یک سری خواستههای دیکتاتیک و ملی و با یک مشی رسمی، مبسوط مبارزه در چارچوب قانون اساسی و بخاطر "آجرها" تجزیه ناپذیر این قانون را آغاز نمود، به قفدر ریخته پیش جنبش مردم، جای گذرد و نمیتوانست بگیرد، بلکه با آزاری سیاسی که دست کم بیش از ۱۰ سال از سطح جنبش توده‌های مردم عقب مانده بود، از همان ابتدا افساد بلیت حرکت همیای جنبش توده‌ای را از خود سلب نمود. این سیاست و "برنامه" چنان فاصلهای میان این نیروهای سیاسی و حرکت توده‌های مردم بوجود آورد که باعث شد، برخلاف دوره‌های گذشته، این جنبه حتی از گرد آوری یک نیروی مهم سیاسی بدور خویش عاجز ماند. و جنبش از تاثیرگذاری مهمی بر روند مبارزات مردم ناتوان ماند. مبارزات توده‌های مردم و دست آورد های یکساله آن چنان از سطح سیاستها، برنامه‌ها و اهداف و قابلیت‌های جنبه ملی پیشی گرفته است که این نیروی سیاسی را کاملاً در موقعیتی عقب مانده قرار داده و نه فقط هدایت جنبش توسط این نیرو، بلکه حتی هم دست آورد های سیاسی جنبش توده‌های مردم را برای آن میسر ساخته است. با آنکه اخیراً آقای دکتر کریم سنجابی رئیس سلطنتی شاه از غیر قانونی اعلام داشته اند و یکی دیگر از ستونهای جنبه ملی طی یک اطلاعیه مطبوعاتی بسر چیده شدن تسلط سلطنت را خواستار گردیده است، و این نسبت به سیاستهای گذشته این جنبه گام مهمی به پیش به حساب میاید، با این حال جنبه ملی نه در گذشته و نه در حال رسالت تاریخی و سیاسی و تشکیلاتی پاسخگوئی به نیازهای جنبش اعتلای مردم را ندارد. و در بهترین حالت به دنبال این جنبش حرکت خواهد نمود.

بخش مهمی از نیروهای مذهبی نیز که کم و بیش نمایندگان لایه‌های مختلفی از بیروزی متوسط و خرد و بورژوازی و

ایران را بنحده داشته‌اند، کاملاً نشان دادند که حامل سیاست، برنامه و تشکیلات لازم برای پاسخگوئی به نیازهای سیاسی و سازمانی جنبش توده‌های مردم نمیباشند. میگوئیم بخش مهمی از آنان زیرا به اعتقاد ما، بطور کلی نیروهای مذهبی را نمیتوان یک نیروی یکپارچه سیاسی - طبقاتی بحساب آورد. نیروهای مذهبی جامعه ما، اگر از بخش ارتجاعی آن صرف نظر کنیم، بطور کلی از لایه طبیف وسیع تشکیل گردیدند که از لحاظ سیاسی از لایه‌های های فوقانی و میانی بیروزی متوسط ایران تا لایه‌های تحتانی زحمتکش خرد و بیروزی را نمایندگی میکنند و رنگ واحد مذهبی مبارزات آنان بهیچ وجه نباید اختلافات و مرزبندی های طبقاتی درون این نیروها را مخدوش یا پنهان نگه‌دارد. توجه به این امر، نه فقط برای کمی-تشمه‌های ایران، بلکه همچنین برای نیروهای انقلابی-سلمان نیز کاملاً حیاتی است و با انکشاف مبارزه طبقاتی که ادامه سیاستهای و برنامه‌های مشخص مبارزاتی را از جانب همه نیروهای سیاسی الزام آور خواهد نمود، این مرزبندی‌ها را به وجه آشکارتری نمایان خواهد ساخت. باز میگوئیم بخش مهمی، زیرا به یکه ما هنوز برخی از نیروهای سیاسی بیروزی و بیروزی اسلامی، نظیر سازمان مجاهدین خلق ایران (مسلمان)، که از لحاظ سیاسی لایه‌های تحتانی و زحمتکش خرد و بیروزی را نمایندگی مینمایند، هنوز در این توانایی‌های بالقوه لازم برای ارائه سیاستها و برنامه‌ها و سازماندهی بالایی از سطوح کنونی جنبش توده‌های میباشند.

بهر حال بجز اینگونه سازمانها و نیروها که لایه‌های تحتانی و زحمتکش خرد و بیروزی را نمایندگی مینمایند، دیگر نیروهای مذهبی نیز از هم اکنون ناتوانی سیاسی و سازمانی خویش را در پیشبرد مبارزات دیکتاتیک و استقلال طلبانه مردم کاملاً بروز داده‌اند. نگاه مختصری به این نیروها از لحاظ سیاسی، برنامه‌های مبارزاتی، تشکیلات و اهدافشان، بر صحت تردید ناپذیر این حکم گواهی میدهد.

بطور کلی، و قبل از هر چیز، این نیروها چنانکه انتظار می‌رفت، آشکارا نشان دادند که دارای یک در حد اقل از قانونمندی‌های عمومی جنبش دیکتاتیک و استقلال طلبانه مردم ایران نیستند. آشکارترین تبار در این تقیمه بزرگ را در انحصار طبلی ایدئولوژیک اینان در مبارزات اخیر مشاهده مینمایم. نیاز به توضیح مفصلی ندارد تا برای هر فردی با حد اقل آشنایی بمقتضی این بیای جنبشهای دیکتاتیک روشن گردد که در این جنبشها طبقات و آشکار گوناگونی با موقعیتهای اجتماعی گوناگون و ایدئولوژیهای متضاتی که مبین این موقعیتهای و منافع طبقاتی متفاوتند، شرکت دارند، و بنابراین وحدت در رد این جنبشها وحدت به حول سیاست و برنامه محسوس است و نه وحدت تایدئولوژیک. هر فرد یا نیرویی که از درک این ابتدائی ترین قانونمندی جنبشهای دیکتاتیک سرباز زند و به انحصار طبلی ایدئولوژیک در درون جنبش مردم گراتیک و استقلال طلبانه ای مردم دست زند، نه فقط مخد امر وحدت و وجهه انشائی، تفرقه و نفاق در صیقل جنبش خواهد شد، بلکه امر پیشرفت سالم مبارزه ایدئولوژیک در درون جنبش را نیز دچار اختلال خواهد ساخت.

آن دسته از نیروهای مذهبی مبارز که خواهان تبدیل جنبش دیکتاتیک و استقلال طلبانه ای مردم ایران، که به جنبش سیاسی، و در برگیرنده‌های نیروهای مختلف سیاسی است، به یک جنبش اسلامی هستند، در واقع خواهان تحمیل ایدئولوژی خاص خویش بزرگ جنبش دیکتاتیک بود، به انحصار طلبی ایدئولوژیک دست یازیده و بجز به پراکندت تخم نفاق در میان مردم و تضعیف کل جنبش دیکتاتیک و استقلال طلبانه مردم ایران، خدمت نمیکند. اینسان بدین ترتیب نه فقط کوته بینی، تعصبانه و درک نازل صفای بدوی خویش را از قانونمندی بیای جنبش دیکتاتیک و استقلال طلبانه مردم نشان میدهند، بلکه بعلمت آنکه اینسان خواست غیردیکتاتیک آنان با قانونمندی بیای جنبش مسا در تضاد بوده و از طریق یک مبارزه ایدئولوژیک - سالم در درون جنبش قابل حصول نیست، انجبارا، به سطحی بخشهای دیگر جنبش، بویژه جنبش کمونیستی ایران مهادرت نموده، به تبلیغات ضد کمونیستی، به دشمنی مستقیم و به زن برجسته‌های کثیف به کمونیستهای ایران پرداخته و حتی در مواردی به پارو کردن پلاکاردها، اعلامیه‌ها و نشریات کمونیستی دست یازیده‌اند. این اعمال ضد دیکتاتیک و نفاق افکنانه که متأسفانه از طرف پیشوای شیعیان جهان و روحانی مبارز حضرت آیت الله خمینی نیز بد آنها دامن زده شده است، بجز به پراکندگی و نفاق در میان مردم و تشدید ضربه بدوی جنبش به هیچ چیز دیگری خدمت نمیکند و مبین عدم درک ابتدائی ترین قانونمندی بیای جنبش دیکتاتیک و استقلال طلبانه مردم ما و عدم توانایی در پیشبرد یک مبارزه ایدئولوژیک در صفحه ۳

نیز در این زمینه، در دوران جنبش است. کار این انحصار طلبی باید فیلوژنیک به آنجا کشیده است که مثلا اول ترین عبارتی که این نیروهای مذهبی در اشاره به مردم ایران بکار میبرند "ملت مسلمان ایران" است. بیرو واضح است که مردم ایران علیرغم اینکه اکثریت قابل توجهی از آنان پیرو مذاهب تشیع هستند، همگنی مسلمان آنها شمیعی اثنی عسری مورد نظر اینان، نبوده و ائتلاف چنین عبارتی به مردم ایران که در برابر گریستن پیروان ادیان و مذاهب دیگری نظیر سنی ها، پیروان اسما علیه، منشی ها، یهودی ها، زرتشتی ها و... و نیز پیروان مارکسیسم - لنینیسم میناشند، مخالف روح و مکراسی است. یکی از مهم ترین خواسته های دموکراتیک مردم ایران آزادی و تساوی کامل کلیه مذاهب و ادیان است. خواسته عبارت "ملت مسلمان ایران" ناقص حقیق و دموکراتیک پیروان مذاهب و ادیان دیگر است، همچنین است خواسته "حکومت اسلامی" که باز ناقص حقیق و دموکراتیک کلیه کسانی است که به هر دلیل به اید فیلوژنی اسلامی تعلق خاطر ندارند.

علاوه بر این، این نیروها از یکسو از پیوند مبارزه با باید و بیار پهلوی، به مبارزه با کل طبقات ارتجاعی و نظام حاکم میروند. خود داری و زورید و از سوی دیگر میبایست جدایی ناپذیر جنبه دموکراتیک جنبش با جنبه ضد امپریالیستی آنرا مد نظر داشته اند. همانگونه که در گذشته نیز خاطر نشان ساخته ایم، ما نیز بر این اعتقادیم که لبه تیز مبارزات مردم در شرایط حاضر باید توجه باشد. در بار مبارزات این گامین ارتجاع ایران و مرکز کلیه سیاستسازان ضد ملی باشد. با این حال، معتقدیم که لحظه ای تری در گسترش مبارزه بر علیه کل نظام سیاسی حاکم و طبقات ارتجاعی حاکم، جز انحراف از یک مشی دموکراتیک و ضد امپریالیستی انقلابی و پیگیر را در بر نبرد داشته و جنبش مردم را در گردن گاه های حساس آید و در برابر توطئه های امپریالیستهای آمریکائی و طبقات ارتجاعی حاکم، کل سلاح خواهد نمود. علاوه بر این، هرگونه خود داری با پیوستن به جنبه ضد امپریالیستی جنبش مردم، به نقطه فکری عمومی و استراتژیک نیست، بلکه همچنین در خواسته های کوتاه مدت و شمارهای تاکتیکی این جنبش باید متصور گردید، بزرگترین خطرات را توجه شد و پیشرفت صحیح نضت دموکراتیک و استقلال طلبانه مردم را خواهد نمود. نیروهای مذهبی مورد بحث در هر دو این زمینه ها سخت متزلزل و ناپیگیر بوده اند. به همین دلیل است که می بینیم تاکنون از طرف این نیروها هیچ شعار استراتژیک یا خواسته مشخصی گنجه متضمن این جنبه های مبارزه باشد طرح نگردیده است، هنگامیکه برخی از نیروهای مذهبی از دادن شعارها یا جعل پلا کارد های حاوی شعار بر علیه امپریالیسم آمریکا بمنزوان اینکه این شعارها شمارهای کمیونیستی است، جلوگیری بعمل میآورند. این دیگر فقط کجبه بیسی تعصب امیز و توجیهی برای این نیروها را نمی نمایند، بلکه همچنین میبایست متزلزل آشکار این نیروها در برابر نیروهای امپریالیستی است. و به دلیل همین متزلزل است که می بینیم خواسته اخراج مستشاران خارجی که بارها توسط جنبش کمیونیستی ایران عنوان گردیده بود، هیچگاه از جانب این نیروها طرح نگردید. و تا هنگامیکه طبقه کارگر ایران بیکارچه و متحد این خواسته محقانه همه مردم ایران را در مبارزات خویش طرح نمود. و بدینسان این طبقه دیگر اقتضای نیز بدین روی آوردند. این خواسته فقط به کمیونیستهای ایران، برخی از سازمانهای انقلابی و جنبش دانشجویی محدود مانده بود.

در ارتباط نزد یک با در گاه های نادرست، سیاستهای غلط و متزلزلات فوق الذکر، جا دارد، به برخورد این نیروها با ارتش نیز مختصرا اشاره ای بشود. نیروهای مذهبی مورد بحث به گرات به درک درست خود را از ماهیت و نقش ارتش، بهمانه یک موسسه ی تماما، کلا و سرتا پا را - تجاعی و ضد ملی نشان داده و متأسفانه این درک انحرافی را در میان جبهه های از مردم نیز رایج گردانیدند. ارتش ایران، توسط اجبرالیستها و طبقات ارتجاعی حاکم سازمان یافته و موسسه ای است که تماما در خدمت حاکم متافع این نیروها و سرکوب حرکت های شرقی جامعه مسا قرار دارد. سابقه طبقاتی سربازان این ارتش، کاتولیک از طبقات زحمتکش می آید، و وجود برخی افسران سرافتند و مبین پرست و رآ به های پائینی آن بهیچ وجه تغییر ندر ماهیت این ارتش، بهمانه ستون فقرات اصلی حاکمیت طبقات ارتجاعی و استیلای امپریالیستهای آمریکائی بر مبنی مانده اند. بدین در هم شکستن قهری آن بدست آوردن آزادی و استقلال ایران امر محالی است. درک نادرست این نیروها از ماهیت و نقش ارتش و چگونگی برخورد به آن، و اشاعه ای درک نادرست در میان مردم

جز به انحراف جنبش ما کمک نخواهد نمود. در ارتباط نزد یک با این درک نادرست از ارتش مردم و شاه و چگونگی برخورد به آن، و ارتباط ناکامتنی میان لزوم در هم شکستن قهری این ابزار فاشه بدست توده های مردم و امر استقلال و آزادی ایران، امتناع آشکار پیشروان این نیروهای مذهبی، از جمله حضرت آیت الله خمینی، از دعوت مردم به تشکیل مسلح شدن و تدارک مبارزات مسلحانه توده های را نیز باید مورد توجه قرار داد. و این امتناع در شرایطی که جامعه ی بحرانی زد می با سرعت نظری یک جنگ داخلی حرکت میگردد، نه فقط عدم توانایی این نیروها را از درک ضروریات رشد پاینده ی جنبش مردم آشکارا نشان میدهد، بلکه همچنین مردم مستعد یه و آزاده ی عا - را در برابر تخریبات ناسختی نیروهای نظامی شاه در شرایط حاضر در آورده، و خلق سلاح مینماید. یک نگاه مختصر به اعلامیه های این نیروها، از جمله اعلامیه های اخیر حضرت آیت الله خمینی، روشنی نشان میدهد که اینان، جز تکرار خنده باره همان رهنمود های گذشته و جز تشریح شیوه های مختلف مبارزه و اشکال مبارزاتی را که در گذشته خود مردم بد آنها دست زدند، در آورده و نیز بهر حال دست خواهند زد. حرفی برای گفتن ندارند و با یکبارگی تعجب آوری از درک ضروریات بهم آمیختن شیوه های مختلف مبارزه، و بویژه، نیاز روز افزون به تدارک سیاسی، سازمانی و عقلی مبارزات مسلحانه ی توده های عاجز مانده اند.

و بالاخره، این نیروها از درک درست نیروهای طبقاتی مختلف، جامعه مناسبات میان آنها، نیروهای اصلی انقلاب و ضد انقلاب، و ابزارها، و ابزارهای مبارزات هر یک، و چگونگی پیشبرد امر وحدت و مبارزه در درون خلق عاجز بوده و به همین دلیل، نه فقط از طرح سیاستهای برنامه های در دست مبارزاتی ناتوان مانده اند، بلکه حتی در مواردی با طرح شعارها و سیاستهای غلط به جنبش دموکراتیک و استقلال طلبانه ی ما لغامتی جدی وارد آورده اند. هنگامیکه حضرت آیت الله خمینی از طرفی خواستگان مبارزات مردم را در هم شکستن جنبش و عدم همکاری با آنان میگردد. و از طرف دیگر به امرای ارتش سلام و درود میفرستد، و بهیچ وجه، جز درک نادرست خویش را از دست و دشمنان مردم ایران باز مینمایاند.

اما در زمینه برنامه، بن بست این نیروهای مذهبی حتی آشکارتر چشم میزند. این نیروها هم بدست عدم درک درست از موقعیت و خواسته های دموکراتیک و ملی طبقات و اقشار گوناگون مردم و هم بخاطر فقدان یک سیاست درست و انقلابی در برخورد به نیروهای دشمن و بالاخره، بخاطر فقدان یکبارگی در میان خویش، تاکنون از ارائه هرگونه برنامه مشخص، عاجز بوده اند. طبیعتا تین و اراشلی خواسته های مشخص مبارزاتی، تعیین راه و رسم درست مبارزه و نیز اراضی آنتراتیو های مشخص، برای آیند، همه و همه نیازمند یک درک درست از قانوتند بهای جنبش، از بیابان متخیر، از مسو قحیت و امکانات آن و یک یکبارگی سیاسی است که نیروهای مزبور قانند بهیچ آتینا هستند. اگر نیروی در مراحل رشد گذشته جنبش هنوز میخواست با برخی شمارهای عام و قابل تشریح همای جنبش مردم حرکت نماید و حتی بر آن تاثیر بگذارد، طبیعتا اکنون که دیگر جنبش مردم رفته رفته در ضمن یکجمله همین در شکل نیز رنگ سیاسی، طبقاتی خاص خود را میباید نیزی حرکت اعتلائی، خویش نیازند. تین تین برنامه های مشخص مبارزاتی، تملیق اشکال گوناگون مبارزات، از جمله مسا زرات مسلحانه ی توده های، و روشن نمودن اهداف و دورنما های مشخص آیند، میگردد. امید به اینکه باز هم با همان شعارهای عام، نظیر " حزب فقط حزب الله " و " حکومت اسلامی " بتواند حتی همای این جنبش حرکت نماید. در بهترین حالت، همین یک الیه رازی کودکان است. بر واضح است که نمیتوان جنبش دموکراتیک و استقلال طلبانگی مردم ایران را که هزار و یک مسئله بغرنج و غامض در برابر خویش دارد، در یکی از دشوارترین شرایط تاریخی آن رود زوری در دشمنان بشریت، با صرف چند شمار خام که حتی در میان طراحان نیز هیچ توافق نظری بر مضمون سیاسی آنها وجود ندارد، به حد نمود. رشد و اعتلای جنبش مردم نیازمند یک برنامه درست و انقلابی است و اراضی چنین برنامه های بهیچ رواج عیدی این نیروها ساخته نیست.

بدیسی است که از لحاظ تشکیلاتی نیز نیروهای مذهبی مزبور فاقد قابلیت های لازم برای سازماندهی مبارزات انقلابی مردمند. اگر وجود تشکیلات سنی و طبیعی این نیروهای مذهبی، تا حد جدی تاثیر گذاری بر مبارزات آنها مردم در گذشته را ایمنی مساعدت و حتی به این نیروها امکان پیشی گرفتن ابتدائی نسبت به دیگر نیروهای

سیاسی را میداد، از این بین مشکل ستوان در عدم کفایت آن تردید نمود. این تشکیلات، با انکشاف مبارزات طبقاتی در ایران ونا حرکت سریع جامعه ی سیاسی یک جنگ داخلی، کاملا کارائی خود را از دست داده است و از عهده ی انجام هیچیک از نیازهای سازمانی جنبش توده ی رشد مردم بر نیامد.

به این ترتیب روشن میگردد، که هم نیروهای بیرونی و هم بخش مهمی از نیروهای خرد پیروان جامعه - به جز آن جزئی از آنان که در سازمانهای انقلابی غیر کمونیست نیست متشکل گردید، مانند سایر انکشاف مبارزه طبقاتی در جامعه ی ایران به یک بن بست جدی رسیدند و عدم قابلیت خویش را در همه ی جنبش مردم ایران به مراحل بالاتری از مبارزه و بر آوردن نیازهای این جنبش در زمینه سیاسی، برنامه و تشکیلات بروزنی نشان دادند. این شرایط بیش از پیش حاکی از نیاز جامعه ی طلب ایران به رهبری جنبش کمیونیستی است. زیرا جامعه ی ایران بالاخره وارد به آن مرحله ی تاریخی خویش گردید است که به جز جنبش کمیونیستی ایران، و انقلابیونی که با این جنبش یاری و همسویی نشان دهند، هیچ نیروی دیگری قادر به بر آوردن نیازهای مردم و دشوار و روز افزون آن نیست. حرکت یکبارچه و متحد این طبقه کارگر ایران و روشنی سیاسی حقیق که در رتد بین شمارهای و خواسته های مبارزاتی اش از خود نشان داد، قرار گرفتن ابتکار عمل مبارزات توده های در دست این طبقه قهرمان و بالاخره نشانهایی که از گسترش نفوذ جنبش کمیونیستی در میان این طبقه ی زحمتکش نمود، و این ویژگیها، و بدین ترتیب تشکیلات این طبقه نسبت به سایر سازمانهای سیاسی و شوروی جنبش کمیونیستی ایران، همه حاکی از شرایطی است که از راه مبارزات طبقه کارگر ایران، و تحقق وحدت درونی این جنبش را به مراتب تسهیل نموده است.

گسترش روز افزون و بی وقفی مبارزات سرتاسری مردم ایران در یکساله ی اخیر، و گذشتها، و تدارکهای بسی نظری، که کارگران ایران، و دیگر زحمتکشان شهر و روستا و دیگر اقشار و طبقات مردمی جامعه ی ما از خود نشان دادند، و بدین ترتیب نشان میدهند که سازماندهی یک جنبش متشکل، با برنامه و انقلابی سرتاسری کاملا شدنی است و شرایط آن کاملا مهیاست.

بحران فزاینده ی که طبقات و هیئت حاکمه ی ایران را فرا گرفته است و استیصال و درماندگی و عجز و ناتوانی بیسابقه ی آنان از یکسو و گسترش مبارزات مردم و اعتلای روز افزون آن که با آمیختن اشکال و شیوه های گوناگون مبارزه عرضه را هر روز به ارتجاع ایران و امپریالیستهای آمریکائی تنگ تر مینماید، و بالاخره سیز فظنی شدن روز افزون جامعه از لحاظ سیاسی، حرکت سریع آن طبقه ی یک جنگ داخلی، و تعامل غریزی و ضدیت طبقه ی کارگر ایران و دیگر زحمتکشان بسوی مبارزات مسلحانه ی توده ای نشان میدهند که جنبش کمیونیستی باید با استفاده از کلیه ی راهها و ابزارها و شیوه های لازم بسوی پیوند با این جنبش زحمتکشان ایران، بویژه طبقه کارگر و سازمانده ی اشکال گوناگون مبارزات این طبقه و دیگر مردم توجیحی بیش از پیش متداول داشته و امر تدارک سیاسی، سازمانی و عقلی مبارزات مسلحانه ی توده های را بصورت یک وظیفه ی حرم و فوری در برابر خویش قرار دهد. بر واضح است که در شرایط کنونی، با تمام اهمیت حیاتی و مبرمی که آمیختن اشکال مختلف مبارزه، بویژه تظاهراتها توده های و اعتصابات سیاسی، درازا هستند، بدین کوشش برای سازماندهی مبارزات مسلحانه ی توده های مردم، و بسا سخنگویی به نیازهای مبارزاتی این مرحله از جنبش میسر نمیباشد. بنابراین، پیوند جنبش کمیونیستی ایران با مبارزات طبقه کارگر ایران، و دیگر مردم، بدین توجه جدی این جنبش به امر تدارک سیاسی، سازماندهی و عملی مبارزات مسلحانه ی توده های هرگز میسر نخواهد شد. خلاصه کیم، شرایط مساعد و مسئولیت خطیری در برابر جنبش کمیونیستی میهن، ما قرار دارد. شرط موفقیت و اخراج موفقیت مناسب این جنبش در مبارزات دموکراتیک و استقلال طلبانه مردم ایران، توجه جدی کلیه نیروهای کمیونیستی ایران را به رفع ناراحتیها و کمید سیاسی گذشته و حرکت جدی به نقشه ی نه و سریع آنان، بسوی یاد دادن به برانگیختگی حاکم بر این جنبش و پیوند یافتن با مبارزات طبقه کارگر ایران، و دیگر زحمتکشان میطلبند، هرگونه تعلل و تردید در انجام این وظایف بد ترتیب، و بدین ترتیب مبارزه بخاطر ایجاد " حزب کمیونیست ایران " به منزلی از دست رفتن شرایط مساعد کنونی، و عدم توجه به مسئولیت خطیری است که انکشاف مبارزه طبقاتی در ایران به عهده ی این جنبش گذارده است.

* * *

نگاهی...
 تپکار شاه تا این درجه بالا نرفته است. آنچه کسب
 از پیش در آمد نفت و در نتیجه افزایش در آمد دولت
 صورت داده و در نتیجه از رشد بد سیاست نظامی و خرید
 میلیارد ها دلار اسلحه و نیروگاه اتمی و غیره مگر نتواند
 تناقضات ذاتی ارتجاع ایران، منزلت نر نمودن موقعیت
 آن و هر چه بیشتر تنگ کردن اقتصاد کشور بر نشت و در
 نتیجه شد بد ضعیف بخشهای دیگر اقتصاد کشور سبب
 است. (حقیقت ۶، اسفند ۵۵)

امروزه بحران اقتصادی ایران که علل آن تشریح گردید
 بر زمینه یک بحران عظیم سیاسی و انقلابی در حال تکوین
 بوده و مبررات شدید تر گردیده است. بحران انقلابی
 کنونی تا زمانیکه رژیم شاه بر ارگه قدرت باقیست بحران
 اقتصادی را بستن یک ورشکستگی و هرج و مرج همه جانبه
 سبب خواهد بود. خلاصی از شر این بحران عمیق نیز
 بدون سرنگونی رژیم شاه و کوتاه شدن دست امپریالیسم
 و بدون حاکم شدن برنامه و سیاست اقتصادی انقلابی که در
 برگزیدن منافع زحمتکشان باشد امکان پذیر نخواهد بود.
 به "برکت سیاستهای وطن پرستانه در رژیم پهلوی
 اقتصاد ایران امروز در چنان بحرانی فوطه بر است که حتی
 یارهای از مخالف امپریالیستی که سابقا در حیف شوکوفای
 اقتصاد ایران بداد سخن میدادند امروز علنا اعتراض می
 کنند به اقتصاد ایران در شرف ورشکستگی است. روزنامه
 تایمز لندن در شماره هفتم نامبر ۲۸ و ۲۹ خرداد مقاله ای
 تحت عنوان "اقتصاد ایران در تابانامانی" در مورد اوضاع
 اقتصادی رژیم تاریخ نموده که پرده از جوانی از واقعیت
 کنونی اقتصاد ایران برمی دارد. در این مقاله میخوانیم:
 "عقیده بر اینستکه اقتصاد امپریالیستی کشور در نتیجه
 دلخیزی های پس از شوکوفای نفت، آنچنان بطرز فاحشی
 نابسامان شده و شیرازه آن از هم گسیخته، که نوعی سقوط
 انتظار میرود". نویسنده می نویسد که با تهدید این بحران سنا
 می در ایران، و بیویژه پس از آغاز حکومت نظامی اعتماد مالی
 محافل جهان از رژیم شاه و برنامه های سبب گردیده است
 بطوریکه دیگر حاضر نیستند حتی وامهای کوچکی نیز بر رژیم
 شاه اعطاء کنند. "احداث داخلی و بین المللی به دولت
 ایران و برنامه های اقتصاد پیشین از اعلام حکومت نظامی
 در هشتاد سیاتیمز نزول نموده". روزنامه در ادامه می نویسد
 که بانک ایران بین المللی که در گذشته مشتاقانه حاضر
 بودند غلبت دلار بر دلت ایران وام دهند. "ناگهان
 بدنیال خبرنگاران و مصلحتین امور ایران افتاده تا در مورد
 ماهیت این بیرونی و شانس بقا شاه سؤال کنند. ... ماه
 گذشته ایران برای اولین بار در دوران معاصر در زمینه
 اخذ یک وام ارزی ۸ میلیون دلاری برای بانک توسعه
 کشاورزی با مشکلاتی روبرو شد. این وام پس از اینکه معلوم
 شد بانک اراخاری در لندن دیگر روی خوش نشان نمی
 داد بدین مملکت شد. (همانجا) مقاله در زمینه ورشکستگی
 دولت و عوامی که بدان در این روزها ننگت جانی اشاره
 کرده می نویسد: "بوجه ۹۰۰ میلیارد دلاری متجاوز از ۱۰۰
 میلیارد دلار کسری داشت که قرار است از طریق وامهای
 داخلی و خارجی تامین گردید. (همانجا) نویسنده
 مقاله بیک فقره از خیانتها و خوش رخصی های رژیم در خد
 مت منافع امپریالیسم یعنی ایجاد نیروگاه اتمی در ایران
 در کشوری که بر روی دریایی از نفت و گاز خوابیده و میتواند
 بزم منابع گناه تا حدود ۲۰۰۰۰ جال انرژی بسیار ارزانی
 از این منابع بدست آورد، اشاره کرده می نویسد: "بسرای
 مثال برنامه ایجاد نیروگاه های اتمی از همان زمانی که
 در سال ۱۹۷۴ شاه اعلام نمود که میخواهد در ظرف ۲۰
 سال آینده ۲۰ راکتور اتمی بسازد، مورد انتقاد شدید
 متخصصین داخلی قرار گرفت. هزینه اعلام شده و ایس
 برنامه از ۳ میلیارد دلار به ۷۰ میلیارد دلار ارتقا
 داده شده و بعضی متخصصین حتی رقم ۱۲۰ میلیارد
 دلار را ذکر کرده اند. (همانجا)
 اخیرا مطبوعات امپریالیستی بشایعاتی در این رده اند
 که از قرار رژیم حکومت شاه در صد غنخ باره ای از این
 قرارداد ادعا است. لیکن واقعیت امر اینست که رژیم شاه
 خائن به ایرانیان امپریالیست بوده و داده است که اگر
 بتواند در سرکوب جنبش موق شود، این قرارداد همسا
 قرارداد های نظامی قبلی را فسخ نخواهد نمود. مقاله
 مزبور نیز در این زمینه بسیار گویا است. "در واقع سبب
 کشورهای دیگر گفته میشود که قرارداد های کنونی و آنها
 که در شرف انعقادند با خل ناآرامی کنونی نفع شاه مبرو
 طند. اگر شاه در امر خلق سلاح کردن مخالفتش موقت
 شود، آتوق آن همانست و گامه حکمت است. ولی اگر شاه موق
 نشود، آتوق این قرارداد های با عکس متضرب خواهند
 شد. آری اینچنین است توصیف اوضاع اقتصادی رژیم
 از زبان ایرانیان شاه. لیکن در باغ اوضاع از انهم بد تر
 است. * * * * *
 وضع کشاورزی ایران آفتاب نابسامان کرده و وا

سنگی ایران به واردات مواد کشاورزی و غذائی بحسدی
 رسیده که کوچکترین خللی در امر واردات مواد غذائی
 ایران را به ورطه وحشتناکترین فقری ها سوق خواهد
 داد. سیاست عامه دولت و خائنانه رژیم در امر تخریب
 کشاورزی ایران موجب گردیده که امروز ایران برای
 دامها و طیور خود نیز وابسته به کشورهای دیگر گردیده
 است. واردات کشاورزی ایران که در سال ۱۳۵۶ بزم
 تهران اکتومست ۱۹ فروردین ۱۳۵۷ به ۱۷۷ میلیارد
 دلار بالغ گردید و در سال جاری به رقم تکان دهنده ۳۰۰
 میلیارد دلار بالغ خواهد شد.
 در حالیکه مقدار محتاجاتی از محصول دهقانان بخا
 طر سیاستهای ضد مردمی رژیم روی دست دهقانان باقی
 مانده و فاسد میشود، رژیم ضد ها میلیون دلار را صرف
 وارد کردن همین اجناس از خارج مینماید. مجله خواننده
 تنها (سوم تیرماه ۱۳۵۷) در این مورد نوشت: "طبق
 آثار موجود و با یک حساب تقریبی هم اکنون در کشور ما
 متجاوز از ۲۰۰ میلیارد ریال از نیروی های دانی و در
 همین حد و نیز محصولات کشاورزی از تولیدات داخلی
 در اثر سهل انگاری و نداشت کاری در انباز کردن - بروز
 آفات و بیماریها - عدم توزیع موق و مشکلات در حمل و نقل
 و یا در رسیدن محصول به بازار و بسیاری از نارسائیه
 دیگر از بین میرود. بطوریکه ضایعات کشور همه ساله از
 این طریق از ۱۰۰ میلیارد تومان هم تجاوز میکند. و البته
 این ارقام سوا میلیارها دلار است که در چند سال
 گذشته بابت معطل ماندن کشتیها در بندها برداخت شده
 است. مشکلات مستی توزیع محصولات کشاورزی در نتیجه
 فساد و درونی و دلالی روسای شرکتهای تعاونی نمودن
 راه انبار و سردخانه، هزینه گران حمل و نقل و غیره
 امروزه باعث عدم پاسخگویی رژیم شاه به خواننده های بحق
 کارگران و کارمندان پائین شرکتهای تعاونی که همراه بسا
 سایر توده های خلق اکنون چند بست در اعتصاب بسر
 می برند، دهقانان و کشاورزان ایران را مواجه با مشکلات
 جدی نموده و اختکار و بازار شایه و قحطی بیش از هیز
 زمینه گردید و مورد مواد غذائی بچشم میخورد. اعتصاب
 بحق کارگران پائین سازمان تعاون روستایی در سراسر
 کشور از نیمه دوم مهرماه سال جاری بدست نزدیک سبب
 بنگاه ادامه داشت. سازمان تعاون روستایی که به مثابه
 ارگانی در دست رژیم در واقع لال و جنرالگر دسترس
 دهقانان است، نقش خرید محصولات دهقانان به بهای
 کم و فروش آنها در بازار به بهای گران بعهده دارد و در
 عین حال سهمی از مواد اولیه کشاورزی را برای دهقانان
 تهیه می کند. در عرض مدت اعتصاب خرید محصولات زرد
 اعی و میوه جات دهقانان و همچنین تحویل کود کسهای
 شیمیایی و پذیرهای کشاورزی متوقف شده و وامهای ناچیز
 را که این شرکت به دهقانان میداده است، تحویل ن
 داده و بدین میان میان خود خولده تنها ۲۰ مهر از فصل
 روزنامه "رستاخیز" در مورد ضرایب هنگفت دهقانان
 همدان و روی آوردن روستائیان برای تامین کالاهای
 مصرفی مورد نیاز خود به شهرها، و با همین مسائل
 نوینی را که دهقانان در مورد فروش محصولات نرنج
 خود و فروش این محصولات به واسطه با قیمت ۱۰ تا
 ۲۰ ریال کمتر برای هر کیلو، خبر میدهد.
 نتایج فلاکت بار "انقلاب سفید" شاه - آمریکا، رسوخ
 سرمایه های بورژوازی و امپریالیستی بدات ایران، تقابل
 جریان ضد انقلابی بورژوازی بورژوازیک در مقابل جریان
 بورژوازی - مکرراتیک دهقانی که مبرترین تضاد ۱۵ سال
 گذشته روستای ایران را تشکیل میدهد، موجب بی خانمان
 می و مهاجرت صد ها هزار دهقان ایرانی بشهرها گردید
 و همراه با تعمیق رکود و کساد و در شهرها امروزه خود
 را بنگاه یکی از مبرترین معضلات اجتماعی ایران که همین
 امروز راه یکی از مطلق عدم پاسخگویی بحل آن فلاکت
 بعربان بیشتری باز خواهد آورد، بروز میدهد.
 همانگونه که ما در گذشته نیز اشاره کرده ایم اصلاحات
 ارضی شاه - امپریالیسم گل سرسبد خند انقلاب سفید "اگر
 چه (و بناگرم) ضمیمه بیرونی داشت، ولیکن سنست
 بگذاشته همچنان وظایف مشابهی را در دستور کار انقلاب
 سیم در روستا قرار میدهد. مسأله همان مسأله کهن و
 راه حل نیز اساسا همان راه حل کهن است. (حقیقت
 شماره ۱۸) آری امروز انجام انقلاب ارضی، نفع دهقانان
 و بدست دهقانان، همانند اراضی در تروهای ملاکسان
 فئودال، سرمایه و موسسات رنگارنگ، نزکرات و کمرباز
 ریاضی روستاها نفع دهقانان، نهم بیولتاریا و بیولتاریا
 دهقی را مبرترین مسأله ای است که انقلاب ایران در تگوید
 بین خود میبایست بدان پاسخ دهد.
 بحران صنایع ایران، کسادی و بی پولی و رکود مسا
 ملاسد و ورشکستگی بازار، سقوط صادرات سنتی و نفتی و -
 سنگی سبب شده واردات، پائین آمدن ارزش دلار و قرار

سرمایه از ایران، تورم بیسابقه و بالاخره کسری بودجه و کاد
 هشدار آمد دولت امروز بر زمینه بحران انقلابی جامعه
 و اعتصابات و کم کارها در موسسات دولتی و خصوصی بحق
 آنجان ایجاد میخواید گرفته که رژیم را در ورطه سقوط
 قرار داده است. بخوبی بی قواره، ناهنگم پس برناه
 و وابسته با امپریالیسم ایران که در دوران معینی پس از
 "انقلاب سفید" و در رشته هایی که منافع سرمایه مالدی
 امپریالیسم و شرکا، داخلش ایجاد میکرد، از رشد بیمار
 گنهای برخورداری بود و در عرض مدتی کوتاه سبب عظیمی
 بحیب سرمایه داران بین المللی و شرکا، داخلی آنها سا
 ریخت و اکنون مدتی است که بحال رکود و کسادی و بیویزه
 معطل در آمده اند. صنایع سنتی حلق به بیوزاری ملی
 ایران نیز اکنون چند سالمست که بخاطر سیاست خائنه
 "دهای باز" (قبول سنگینان رژیم سیاست "آشوب باز")
 وعدم حمایت رژیم از این صنایع در مقابل کالاهای ساخت
 خارج و بخاطر باج و رشوه و زورگویی دستگاه فاسد پهلوی
 بحالت رکود و ورشکستگی در آمده اند. بطریق سانسور
 اخبار و موبد نابسامانی و ورشکستگی اقتصادی ایران
 با انحال اینجا و آنجا اخبار در این زمینه درج می
 گردید. تولیدات صنایع داخلی که تا قبل از استقرار حکومت
 مت نظامی تا حد زیادی راکت گردیده بود، بطوریکه
 بسیاری از کارخانجات فقط نصف ظرفیت تولیدی خود را
 بکار گرفته بودند و از بعد از استقرار حکومت نظامی ایست
 نوینی یافته است. اطلاعات ۲۴ مهرماه ۵۷ در مورد
 پائین آمدن تولید کارخانجات و پخوان مثال یکی از کار
 خانه های تولید لوازم خانگی که تولید آن تا ۴۰ درصد
 پائین آمده است گزارش میدهد.
 گذشته انجاری و سراسری اعتصابات کارگری بحد
 کیفیت نوینی را بر بحران صنایع افزود است. از طریق
 این اعتصابات سیاسی و اقتصادی طبقه تهرمان کارگر
 ان به جهان نشان داد که در صورتیکه اراده کند
 میتواند جرخ اقتصاد ایران را از کار بازآورد. بغیر از
 صنایع نفت اعتصابات کارگری تقریباً تمام واحدهای تولیدی
 نفتی مانند ذوب آهن، ماشین سازی اراک، تراکتور ساز
 زن شیراز، واحدهای تولیدی ممتاز و صنایع سبک بقیه
 را در نیز گرفته اند. اعتصابات در واحدهای اطراف شهر
 های بزرگ و همچنین در واحدهای تولیدی بزرگ بیشتر
 به چشم میخورد. بعنوان مثال اکثریت تونیک به اتفاق
 کارخانجات مابین تهران - کرج در تروفاه اخیر در حال
 اعتصاب تونیک اند و تقریباً تمام واحدهای مختلف تولیدی
 گروه صنعتی بشهر یکی از بزرگترین مجتمع های صنعتی
 کرباد روی در ایران در حالت اعتصاب بسر دارند.
 فعالیتهای ساختمانی که در چند سال گذشته بیویزه
 مابین سالهای ۵۵-۵۶ در بخش ساختمان ویلاها و منازل
 اشرار مرفه جامعه (به گفته تهران اکتومست ۲۶ تیر
 ۵۷) فعالیتهای ساختمانی در این دو زمینه صورت گرفته
 اند و همچنین پروژههای نظامی رژیم روق خاص داشت
 امروز بحالت کمبود اخبار سرمایه و بخاطر وجود بحران
 انقلابی در جامعه بحالت رکود و کساد شدیده و داده
 و تفرهای صنعتی از دهقانان آواره شده که در شهرها
 در این بخش بکار گرفته شده و بیژند بقدرت بکاران بی
 توان و فقرای شهری در آمده اند. حق بحران جامعه بدت
 است که این رشتههای اقتصادی غیر مولد که در جامعه
 نیمه مستغمرهای مانند ایران در عین و بارون تریس
 رشتهها بیژند و امروز تا حد زیادی بحال رکود در آمده
 اند. تهران اکتومست ۲۵ شهریور ۵۷ مینویسد:
 "من حث النجمه بازار زمین راگ، بازار مصالح مسا
 اختصاتی نیمه راگ و بازار مستغلات کم حرکت است."
 فرار پول و سرمایه از ایران که در گذشته نیز بحثا
 یک بنیادی وجود داشت و در ظرفی سلطنت محمد رضا شاه
 میلیارها دلار از ثروت ملی ایران بدست دربار و سایر
 اعضاء هیئت حاکمه از ایران ربوده شده و در خارج انیا
 شد گردید، در عرض دو سه سال گذشته در اوضاع وسیع تر
 شده و حتی اشرار از بیوزاری متوسط جامعه نیز بفر
 انتقال پول و سرمایه خود خارج افتادند. گرچه آمار
 دقیقی در دست نیست ولیکن نقل از منابع مختلف در
 طی سه سال گذشته سالیانه حد ۲ میلیارد دلار از
 ایران خارج گردیده است. این فرار سرمایه در طی یک
 سال گذشته و بیویزه پس از روی کار آمدن حکومت نظامی
 می ایجاب تکان دهنده میخواید گرفته بطوریکه بنا به گزارش
 روزنامه اطلاعات ۳ مهرماه بعد از استقرار حکومت نظامی
 دست کم بیوزانه ۵۰۰ میلیون دلار پول نقد از سلکت خارج
 شده است. فرار سرمایه با چنین ابعاد و میزانی معادل
 ۱۷۰ میلیارد دلار در ماه ۱۸ میلیارد دلار در سال
 است. تازه این ارقام ثروت و سرمایه های که توسط
 ناند اشرار پهلوی در همین اواخر صورت مخفی از ایرانیان
 خارج شده و در نیز نمیکرد، اکنون مدتی است که باند
 بقیه در صفحه

نگاهی ...
 پهلوی دست به نقد نمودن سهام خود در بانکها، کارخانه
 نجات و فروش عملی بخش از املک خود به موسسات
 دولتی زده و سرمایه بدست آمده را از ایران خارج نمید
 آست . بنابر اعلام حضرت آیت الله خمینی (مناسبت
 روز ننگین ۴ آبان) خاندان پهلوی که اکثر از ایران فرار
 کردند ، جواهرات سلطنتی را نیز از ایران خارج نموده
 اند .

روشن است که فرار پول و سرمایه با میزان فقیر سرعت
 بازار ، موسسات مالی و حتی بانکهای بزرگ را پوششگنی
 سبق میدهد . برای روشنتر شدن قضیه بد نیست میزان
 فرار سرمایه کمتی را با میزان سرمایه بانکها و سربده مرگ
 نزد آنان مقایسه کنیم تا عیناً بیاسمانی و پوششگنی اقتصاد
 دی کمتی قابل لمس تر گردید . گریه ارفاقی که در مورد
 سرمایه بانکها در دست است مربوط به اواخر سال ۱۳۵۴
 میگردد و لیکن برای مقایسه ما بخد کافی است . جمع
 سرمایه بانکهای خصوصی که در حد ۲۰ درصد کل سرمایه
 به سیستم بانکی ایران بوده است در پایان ۱۳۵۴ معادل
 ۶/۸ میلیارد تومان و جمع سرمایه بانکهای ایران (شماره
 ماهی پرداخت شده به علاوه اندوخته قانونی) معادل
 ۱۶/۲۸ میلیارد تومان تخمین زده میشود . (کتابان
 ۱۷ آبان ماه ۱۳۵۵) . البته این رقم را نباید با کل
 دارائی های بانکها یعنی سرمایه با مشکل پولی و غیر پولی
 یکسان شمرد . بنوشته همین روزنامه مجموع سربده های
 پولی مردم نزد بانکهای خصوصی تقریباً معادل ۷/۵۰۰
 میلیارد تومان است . اگر مجموع سربده های پولی
 مردم را در بانکهای دولتی نیز میزان بانکهای خصوصی
 در نظر بگیریم (با استثنای بانک مرکزی) آنگاه مقدار سر
 مایه در دست بانکهای ایران (سرمایه خودی یا شافنس
 سربده های مردم) در پایان سال ۱۳۵۴ خدود ۱۱۴
 میلیارد تومان و با حدود ۱۶ میلیارد دلار میگردد . حال
 یاد نظر گرفتن میزان فرار سرمایه در اوضاع کنونی و در
 صورت ادامه فرار سرمایه با میزان کمتی و در این اوضاع
 باغ و فزاینده در سرمایه یکسال گذشته در طی تظاهرات
 تنها به بیش از ۴۰۰ شمشه از بانکهای ایران وارد آمد
 (مجله تايم ۱۱ سپتامبر ۷۸) آنگاه مانند روز روشن
 است که نه تنها بسیاری از موسسات بزرگ ملی بلکه
 حتی بسیاری از مؤسسات مالی امپریالیستی و بوروکرات
 کمپانی و نیز ورشکسته خواهند گردید . اخیراً نیز شایع
 گردید که چندین بانک بزرگ در ایران ورشکسته گرد
 ید مانند :

بحران عمومی اقتصادی جامعه همراه با فرار پول و
 سرمایه بر امور بازرگانی و داد و ستد بطور کلی بازارهای
 سنتی ایران بطور اخص تاثیرات گزینی بجای گذارد و
 تقریباً برکود کامل و ورشکستگی های گسترده منجر گردید
 است . گزارش مند رچه در "خواننده نهایی" ۲۰ آبان ۵۷
 نقل از "ستاخیز" شایعهای از این اوضاع بیاسمان با زار
 داخلی ابراست که در مقایسه با آن بحران ۴۲-۳۹ و -
 نما بحران کوچکی مینماید . در این گزارش میخوانیم:
 "جک پشت جک و سفته پشت سفته است که برکت مخورد
 و نکل میشود . کارمند یکی از بانکهای خصوصی در
 بازار کاشیهای تهران میگفت: دینی است نزد یک یکی دو
 ماه که کار با شده و کلتجا رفتن ای مرد می که جک به دست به
 ما مراجعه میکنند و با حساب سند دو و یا کسر موجودی
 صاحب حساب روم میشوند . . . جک افراد ای برکت می
 خورد که خود مامان انگشت بد هان جریان مانند مايم . . .
 یک حاج آقای معروف و بسیار خوش حساب که مشتری بانک
 ما است همین در برون جک هزار و پانصد تومانی و بسری
 گشت خورد . . . اگر بشما بگویم که فقط گردش موجودی
 این مشتری در سه ماهه اول امسال نزدیک ۴۳ میلیون
 تومان بوده باور نمیکند . . . معاملات عده فروشی در
 بازار ایران بسیار کاهش یافته و معاملات که صورت میگردد
 بیشتر در سطح خرده فروشی است از طرف دیگر همین
 معاملات بطور کلی بصورت نقدی انجام میدهد و معاملات
 ود های و اعتباری بسیار مشکل صورت میزند . پارای از
 معاملات که بصورت عده فروشی صورت میگیرد ، در شراب
 امکان رد و بدل پول بخلت کم پولی کمتر نباشد ، در شراب
 یک نقد ان اعتبارات و معاملات ود های و اخواست شدن
 مداوم سفته ها و برانهای بازرگانی ، بصورت معاملات با با
 پای صورت میگردد . این امر نیز بهس از استقرار حکومت
 نظامی در اوضاعنا وسعت یافته است . کتابان ۱ شهریور
 ۵۷ به معاملات با پایای واحد های نرخ رسمی که بجسای
 پول به فروشندهگان پنبه نخ میدهند اشاره میکند . رکود
 معاملات در سطح خرده و فروش کالا منتهی بدندان میله
 به معاملات در برون (سهام کارخانجات و بانک ها صمد
 ها و . . .) نیز کشانیده شده است .
 در شرایط بحران همچنانچه اقتصادی و وجود کسادی
 و ورشکستگی در بازار داخلی ، فرار سرمایه و رزح با ت

لای تورم بانکها شرایط اختیار دخی واجد وام را بسیار
 مشکل نموده و امروزه (بنوشته اطلاعات ۲۴ مهرماه)
 بانکها نقش سرافان سنتی بازار را بازی مینماید ، یعنی
 دادن وامهایی با نرخ بهره بسیار بالاتر از نرخ رسمی و
 تخمین شده با یکها .
 با آغاز بحران امپریالیسم از سال ۱۳۵۲ در ایران
 رابطه اقتصاد سیاست "دهای باز" رژیم که مشخصاً قصد
 کاهش بار بحران امپریالیسم و آت کردن خطهای امپریا
 لیسم در ایران را داشت ، واردات کالا و خدمات بنحو
 شگرفی رو با افزایش گذاشت بطوریکه در نین سالهای ۱۳۵۲
 تا ۱۳۵۶ ، ارزش واردات ایران به ۴ برابر افزوده گردید .
 تهرانی اکونومیست ۲۹ مهرماه ۱۳۵۶ منظره وحشتناک
 واردات اعتبار بحران را در سال ۱۳۵۶ چنین ترسیم میکند
 " بدین ترتیب برداختهای ارزی برای واردات کالا بسا
 حدود ۱۲ درصد افزایش به ۱۸ میلیارد دلار رسید و
 همراه با برداختهای ارزی برای خدمات موجود شد که
 مجموع برداختهای جاری ارزی کشور با حدود ۲۲ درصد
 افزایش به ۲۴۴۷ میلیارد دلار بالغ گردید . لیکن از طرف دیگر
 در برداختهای جاری ارزی کشور بعلت کاهش نرخ رات نخست
 و کاهش کمتی نسبت به سال ۱۳۵۵ داشت . صادرات
 غیر نفتی ایران در سالهای گذشته نقصان مطلق داشته و
 در سال ۱۳۵۶ فقط به حدود ۶۰۰ میلیون دلار بالغ
 گردید . است . البته در این گزارش قید شده است که
 اقلام وارداتی شامل هزینه جنگ افزایش نظمی نیز
 هست یانه ، لیکن آنچه روشن است اینست که منظر
 گریه اقتصاد ایران بیشتر وابستگی شدیدی به این اقتصاد به
 جابل و هند و صراف یک کالا ، یعنی نفت برای وارد کردن
 تقریباً کلیه احتیاجات مصرفی داخلی میباشد . همانطور
 که گفته شد ، با پیدا این کوچکترین خدشه در صادرات نفت
 و با دل دیگری که مثلاً گمرکات و بناد روزا کار باز ارد
 ایران بصورت در زوبله تقطی و نابودی سبق داده خود
 هد شده و اینست نتیجه عملکرد یک رژیم خائن و بی وطن و
 نکور بیگانه در این زمینه به چند نکته میبایست اشاره
 کرد . یک اینکه احتیاجات مصرفی داخلی روز بروز به
 افزایش است و از طرف دیگر شایده اقتصاد داخلی ایران
 در حال تروپاتی و اضحلال کامل بوده و در نتیجه نیاز
 به واردات کالا های خارجی با وجود رژیم کونی هر روز
 بیشتر خواهد شد . دوم بعلت بحران و رکود صنعتی
 جهان سرمایه داری و در نتیجه عدم افزایش تقاضا برای
 نفت در بازار جهانی در حال حاضر و بحال برای نمون
 نفت خرابکارانه و خائنه توسط رژیمهای ایران و صیستان
 در درون اوک و در نتیجه تفت قیمت نفت در سطح
 فعلی . و حتی با فرض عدم وجود احتساب و کم کاری در
 مؤسسات نفتی - در سطح رژیم از بابت نفت افزایش خواهد
 داشت . و با آن خدود قیمت نفت در بازارهای اروپا و
 به سایر بازارهای بین المللی ، و بعلت اینکه در آند قیمت
 بد دلار بزداخت شده و با در نظر گرفتن وابستگی رسال
 به دلار ، قدرت خرید ایران در بازارهای بین المللی بسیار
 کاهش خواهد یافت ، و در آینه و آنگاه آینه ای برای رژیم
 باشد . عدم توازن تجاری و ارزی ایران برانست به سراز
 امروز خواهد شد و اقتصاد ایران در گرداب ورشکستگی
 هر چه بیشتر سقوط خواهد نمود .
 بوزورگانی و دستگاه دولتی ایران که مانند دیگر
 دستگاههای دولتی خدود "انبارت نفت طبقات حاکم
 و منظور سربوک و تحقیق توده است ، نسبت بجمعیت
 ایران و در مقایسه با بوزورگانی کشورهای شاه یکی از
 گسترده ترین دستگاههای بوزورگانی جهان بشمار میرود .
 کارمندان و حقیق بگیمان ستقیم و غیر مستقیم دولت در
 ایران بچند میلیون بالغ میشوند . با در نظر گرفتن چنین
 بوزورگانی گسترده است که توجه به بودجه دولت و مواخذ
 در آند آن اهمیت هر چه بیشتری بخود میگرد . همانگونه
 نذ که در ابتدای مقاله ذکر گردید ، بنوشته روزنامه تايمز
 بودجه اسان رژیم ۵۹ میلیارد دلار در نظر گرفته شده
 بود که معادل ۶۰ میلیارد دلار کسری دارد . (اینرا
 هم در اینجا اضافه کنیم که رژیم ادعا میکند که سواجز از
 ۱ میلیارد دلار از خارج در تخریب دارد ، ولی بسا
 در نظر گرفتن اتمام کسری بودجه دولت و میزان اعتبار
 آن در میان محافل مالی جهان ، بی معنی بگیدن ایسن
 ادعا نیز روشن میشود .)
 خدود ۶۰ تا ۷۰ درصد بودجه دولت را در آمد
 نفت و گاز و حدود ۲۰ درصد آنرا مالیاتهای مستقیم
 و غیر مستقیم تشکیل میدهند . اوضاع انقلابی جامعه
 و اعتراضات سراسری در ایران و از جمله اعتراضات حق
 طلبانه و همه جاگیر کارمندان دولت که بعنوان یکی از خوا
 سته های فرعی خود خواهان اضافه دستمزد (در برخی
 موارد تا ۱۰۰٪) گردید به آند دولت وامانده و متزلزل
 ایرانرا در مسیر یک ورشکستگی کامل سبق داده است .

این اعتراضات که بعد از استقرار حکومت نظامی در ابتدا
 بصورت اعتراضات عده تا اقتصادی در سرتا سرتا گستر
 شده بودند ، در مسیر تکاملی خود و در تأثیر پذیری از
 جو سیاسی جامعه فزاینده اعتراضات و مبارزاتی (و در رأس
 همه اعتراضات سیاسی کارگران غیرمان ضعیف نفت) بسا
 خواسته های کاملاً سیاسی مانند آزادی کلیه زندانیان
 سیاسی ، بازگشت تبعید شدگان خارج ، انحلال ساواک ،
 بیرون کردن کارگان و مستشاران خارجی از ایران ، لغو
 حکومت نظامی و لغو وابستگی ریال به دلار و . . . سرور
 نموده و در حافظ نمودن دولت شریف امامی نقش طامعی
 ایفا نمودند . بنا بنوشته مطبوعات خارجی (هراک تر
 بیون ۲۴ اکتبر) خود سواست اضافه دستمزدی را که کارمند
 آن و کارگران در نتیجه اعتراضات خود به رژیم تحمیل
 کردند ، حدود ۵ تا ۷ میلیارد دلار به مخارج رژیم
 خواهد افزود . در عین حال رژیم در مانده شاه بخاطر
 آرام کردن مردم به لایه جانی از کارمندان دولت و بخش
 خصوصی معاضات مالیاتی نیز زده و داده است که بنوشته
 اطلاعات ۱۶ مهر سال ۲۰۰ میلیون دلار خواهد شد
 گردید . همه اینها میبایست تاج احتیاج کارگران را نور
 ضعیف نفت را افزود که بنا به نوشته مجله تايم مورخ ۲۷
 نوامبر ۷۸ تخمین خدود یک میلیارد دلار بابت خدمت
 نفت به رژیم فرستاد است . پارای از طموحات غریب
 این رژیم را تا در میلیارد تخمین میزند ، مجموعه عوامل
 فقیر چشم انداز رژیم را تبدیل به منظره ای تاریک و هود
 لنگ گردانده ، تا حدی که فریاد و امینیتای فعال رژیم
 نیز باسما بلند شده و بطوریکه مسائل مالی اروپا و امریکا
 نیز در بگر جان نیستند . یان سادگی رژیم بحران زده شاه
 حتی وامهای کوچک اعطا نماید .
 بهمه عوامل بحرانهای فقیر سیاست مساله تورم و گرانی
 روز افزون هزینه زندگی مردم را اضافه کنیم ، تورم موجود
 در ایران در اساس در نتیجه چاپ و نشر بی روی اسکناس
 (بیش از حد لازم برای احتیاجات گردش کالا) و ناشی
 از سیاستهای خائنه و خد مردمی رژیم سیاست بر باد
 دادن در آمد نفت ، و بجزه سیاست نظامی رژیم میباشد .
 رژیم در عرض سال گذشته بیش از ۶۶ میلیارد دلار جنگ
 افزار خرید و به بیش از ۷ میلیارد دلار به سواست امپریالیسم امریکا
 بصورت "وام و کله" در کشورهای دیگر ریخته باشت کرده
 است . در عین حال انتقال تورم جهان امپریالیسم نیز
 میزان تورم و گرانی موجود در ایران را تشدید نموده است .
 رژیم شاه همواره ارقام در تقیق میزان تورم چند ساله گذشته
 را بده بیوشی نموده است . گزارش های موجود نیز شرح
 تورم سالانیه را از سالهای ۱۳۵۲ بعد مابین ۳۰ تا
 ۱۰۰ درصد گزارش داده اند . مجله "گزارش مرید شمشاد"
 ۶۹ در مقابلهای تحت عنوان "تضاد های اقتصادی ایران"
 در زمینه تورم در ایران می نویسد : "بعد از افزایش در
 آمد نفت و قیمت مواد غذایی ۳۰ درصد در سال و در
 سال ۱۳۵۴ اجاره بها در تهران ۲۰۰ درصد و در سال
 مورخ ۱۳۵۵ ، ۱۰۰ درصد افزایش یافت . بگزارش مجله تايم
 در ایران سالانیه سواجز از ۵۰۰ درصد افزایش داشته
 است . یکی از مهمترین افلامی که بطور وحشتناکی بتمت
 آن افزوده شده بهای زمین و اجاره مسکن بوده است بطوریکه
 ریکه در سالهای اخیر مابین ۱۰۰ تا ۲۰۰ درصد در آمد
 خواهد ه های اجاره نشین را شامل شده و این ساله
 بمرکت سر رژیم ملاکان و رازدهنان پهلوی بگنی از خادترین
 مسائل اجتماعی جامعه ما تبدیل گردیده و تضاد های
 طبقاتی جامعه ما را بغایت حدت بخشیده است . در ارد
 ایل سال گذشته یا تحقق بحران اقتصادی و رکود شدیدی
 بازار و کمبود پول و سرمایه در دست مردم بعلت قیمت
 زمین و اجاره ثابت مانده و در رموردی با عای جراید رژیم
 کنترل کرده بود . لیکن از آنجا که در جامعه نیمه مستعمره
 ایران در نتیجه سلطه رژیم پیوسیده حاکم و خاکیت سرمایه
 کمپادور - ریائی ناچارا سرمایه های موجود اساساً متوجه
 کانیهای غیر مولد و غیر مولد میگردد ، بیسن از یک در و ران گو
 تاه در عین وجود رکود در این رشته و در مرتبه قیمت زمین
 و آپارتمان و با افزایش تها در است . تهران اکونومیست
 ۲۵ شهریور ۱۳۵۷ پس از اشاره به تقلیل قیمت زمین در
 اوایل سال گذشته چنین میگوید : " اما بحدت رنج قیسا
 تخمیر کرد باین عمارت که چون سرمایه گذاری در رشته های
 تولیدی برای جذب پس اندازها و سرمایه ها گانی نبود ،
 خواه ناخواه تقاضا برای خرید زمین و آپارتمان در اسسه
 پیدا کرد و قیسا پس از آن سقوط شدیدی در تها ر جریان
 صعودی پیدا نمود منتهی آنقدر کندتر و کمتر از گذشته
 و خیلی مختلف" .
 رژیم شاه در مقابله با موج اعتراضات و سوازیب مرگبار
 خود برای تأمین مخارج سرسام آفرین بدین شک در سطح
 وسیع دست بحال اسکناس بدین شیوه خواهد زد که
 بنده در صفحه ۶

نگاهی...
 طبیعتاً مستقیماً به تویم هر چه بیشتری در این خواهد زد و مردم ایران در آینده نزدیک و باز اضافه کم در صورتی که رژیم شاه هنوز بر سر کار باشد، به تنها یا خطرناک است بلکه با توجیهی لجام گسیخته نیز بر سرخواهند گشت.

خلاصه کنیم بحران اقتصادی ایران با ابعاد بسیار عمیق ناشی از پیوسته تر شدن مناسبات عقب مانده و وابسته تولیدی و ناشی از سلطه در دست اشرف پهلوی، سلطه سرمایه بورژوازی - کمپرادور - بیانی و سلطه انحطاط رات و سرمایه مالی امپریالیسم جهانی بر اقتصاد ایران و پیوسته ناشی از شکست برنامه ضد انقلاب سفید، انتقال و تاثیر گذاری بحران جهانی سرمایه داری بر اقتصاد بزرگ ایران و ناشی از اتخاذ سیاستهای نئوین وطن پرستانه در رژیم شاه پس از افزایش درآمد نفت می باشد. این بحران تمام شدن تولیدی، توزیعی، مالی و بازرگانی و انفراتراکتوری راه و مخابرات، برق، آب و تلفن (...) را در بر گرفته است. این بحران کشاورزی عقب مانده ایران را از ریشه ویران و عقب مانده تر گردانید و میلیونها نفر از دهان ایرانی را آواره و بینوا کرد. این بحران صنایع ایران را هر چه بیشتر ناهمگون و بی قواره و وابسته با امپریالیسم (فقدان صنایع تولیدی و وسائل تولید و یکساز انداختن این صنایع در خدمت نیازهای اقتصاد امپریالیسم جهانی و نه نیازهای اقتصاد داخل) نموده و با اتخاذ سیاست " رزهای باز " سرمایه داران ملی را در دام تولید ورشکسته و بعضاً بستم زمین بازی و امور غیرتولیدی سوق داد. این بحران و همراه با آن بخاطر اتخاذ سیاستهای ضد مردمی مانند " مبارزه با گرانروشی " خرد و بیروزی ایران را مستعد انقلاب و انتشار مسمومی از آن را بحدی افزایش داد که امروزه رزهای بسیار نمود. این بحران کارمندان جزو میانه و دولت را نیز به روز سیاه نشانید. بیش از همه این بحران با تشدید استثمار و ستم بر طبقه کارگر طبقه کارگر را که صوفی آن گسترش پیدا نموده بود، مستعد آماده نبرد مرگ و زندگی با رژیم شاه نمود.

نتیجه این بحران اقتصادی در تحلیل نهایی به قرینه شدن افسانهای لایه های کوچکی از سکه، طبقات حاکمه (بورژوازی بورژوازی کمپرادور و مالکین ارضی) و ریزه خواران سرفه آنان منجر گردید. از اکثریت شکننده های را بر زمین نماند نشانید و تضاد های طبقاتی جامعه ما را تا حد انفجار بی حد بخشید. نهایتاً خوره همراه با ادامه استبداد و افزایش ستم و زور یک دستگاه فاسد و شرور و با سانسامانیهای ناشی از زمینه های انفراتراکتوری منجر به بروز انقلاب در ایران گردید. آنچه بسیار شایان اهمیت است اینست که بحران اقتصادی گسستی نه یک بحران زود گذر و دروایی بلکه بحرانی با ریشه های عمیق و کهنه است و در شرایط انقلابی کوشی این بحران بغایت تشدید شده و بر ابعاد آن افزوده خواهد گردید و رژیم شاه و اربابان امپریالیستش بجز از حل آن ناتوان اند.

در پایان میبایست خاطر نشان سازیم نکته تنها رژیم شاه قادر به حل بحران و معضلات اقتصادی ایران نیست، بلکه حتی هر رژیم دیگری نیز که نخواهد و یا نتواند به خواسته های اقتصادی - اجتماعی زحمتکشان جامعه بفرسود و اقتصاد مکرانیک و انقلابی پاسخ دهد، قادر به حل این بحران و التیام زخمهای کهنه جامعه ما نخواهد بود. برای خاتمه دادن به بحران اقتصادی جامعه میبایست ابتدا رژیم شاه را سرنگ نمود، دست امپریالیستهای غارتگر را از ایران کوتاه کرد و یک جمهوری دموکراتیک خلق بر اساس آزادی کامل گروهها و تشکلات سیاسی، صنفی، مدنی برای کلیه اقشار و طبقات خلقی مبتنی بر آزادی بیان، اجتماعات، مطبوعات و ... در این نمود. میبایست برابری کامل حقیق اجتماعی - سیاسی و ملی برای ملتها و اقلیت های ملی و مدنی ایرانی برقرار نمود و آزادی اعتقاد به مذمت و یا عدم اعتقاد به آنها تضمین نمود و همچنین میبایست برابری کامل حقیق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان با مردان (در زیاده های مساوی در مقابل انجام کار مساوی و ...) را تضمین نمود. میبایست در زمینه اقتصادی دست نه گزینی کلیه مناسبات جیاولگرانو ضد مکرانیک موجود زنده و انقلاب ارضی را در دسترس قشر روستا قرار داد و دست کلیه موسسات فاخرتر امپریالیستی و بورژوازی - کمپرادور را از روستا و تمام شدن حیات اقتصادی مبین ماکتای نمود. میبایست جنگلها و مراتع را ملی نمود و در روستا پیش برد امر انقلاب و اصلاحات ارضی را به دست انجمن های منتخب توسط دهقانان سیرد. میبایست صنایع کلیدی و حیاتی جامعه را برفع زحمتکشان و عموماً خلق ملی نمود. قانون کار مکرانیک و عادلانه وضع نمود و آزادی انتخاب را تضمین نمود و نظارت بر امور کارخانهها را بدست کمیته های نظارت کارگری منتخب توسط کارگران سپرد. میبایست بانکها، بیمه ها و سایر موسسات بزرگ

مالی و زمینهای ملاکان بزرگ را ملی نمود، ثروتهای ملی و پیوسته نفت را برفع زحمتکشان از جنگال غارتگران خارج نمود و بطور کلی ثروتهای جیاویل شده توسط امپریالیستها و طبقات حاکمه و پیوسته در بازار خان شاه و اطرافیان آنها را برفع مردم معاد بر نمود. خلاصه کلام میبایست انقلاب دموکراتیک تویم را در کلیه شئون اجتماع، سیاسی و اقتصادی ترهنگی به پیش برد و ساختن جامعهای نوین را آغاز نمود.

ضمیمه

در اردو سته اشرف پهلوی از قبل راهزنی و باج گیری، غصب و غارت ثروت ملی مردم ایران، استثمار و حشیانسه زحمتکشان و از قبل دلالی امپریالیسم، جنگال خوین خود را به ثروت بیکران و عظیمی گسترده است. این جنگ اندازی در بر گیرنده کلیه زمینه های تولید (کشاورزی، صنایع، معادن) توزیع و تجارت و دلالی و بانکی و ... گردید. است و بخش عظیمی از این ثروت نیز بصورت بیل و سرمایه از کشور خارج گردید و در بانکهای خان سیرد شده است. تخمین دارایی دربار پهلوی و علیرغم اینکه تاکنون توسط امپریالیسم از بخشهایی از این دارایی برده برداشته شده است. با آسانی ممکن نیست و شاید تنها پس از سرنگونی این دربار سته زالو بوقت سر سیرد ابعاد آن معلوم گردد. فقط بعنوان مثال روزنامه لوموند مورخ ۴ دسامبر ۷۸ در سرمقاله خود دارایی شخصی شخصی محمدرضا شاه را به ۱۰ میلیارد دلار تخمین میزند. اخیراً (۱۹۷۸) کتابی بنام " ایران، سراز قدرت توسط یک فرد انگلیسی بنام رابرت گراهام که در برین سالهایسی ۱۹۷۷ - ۱۹۷۵ بعنوان مفسر خاور میانه روزنامه تایمز مالی لندن در ایران بسر برده و منتشر شده است که برده از بخشی از دارایی بنیاد پهلوی بر می دارد. ما در اینجا بترجمه ضمیمه این کتاب که شامل لیست گوشه ای از دارایی بنیاد پهلوی تا سال ۱۹۷۷ است اقدام می ورزیم. نتا گفته روین است که بنیاد پهلوی فقط یکی از موسسات و صنایع ثروت داروسته بی وطن پهلوی است.

بنیاد پهلوی: دارایی شناخته شده در دسترس - ۱۹۷۷

- الف - بانکها / کمپانیهای سرمایه گذاری
- ۱ - بانک عمران (۱۰۰ درصد) - سرمایه ۵ میلیارد ریال (۷۰ میلیون دلار) - مجموعه دارایی ۷۵ میلیارد ریال - سرمایه گذاری ۱۷/۴ میلیارد ریال - سرمایه طرح ۳۰ میلیون ریال - بانک تجارتی
- ۲ - بانک ایرانانتیتر (۳۰ درصد) - سرمایه ۳ میلیارد ریال (۴۲ میلیون دلار) - مجموعه دارایی ۳۸ میلیارد ریال - بانک تجارتی
- ۳ - بانک توسعه و صنایع ایران (۱/۳ درصد) - سرمایه ۳ میلیارد ریال (۴۲ میلیون دلار) - ارزش سهام ۲۰ درصد توسط بنیاد پهلوی - ۷۰۰۰۰۰ دلار گذاشته شده است. بانک توسعه
- ۴ - بانک اخبارات (۶۲) - سهم از ... ۳۰۰ سهام اولیه را در دست داشت. سرمایه ۱/۵ میلیارد ریال (۲۱ میلیون دلار) - بانک تجارتی
- ۵ - بانک ایران و انگلیس (۱) - ۲۰۰ سهام از ... ۲۰۰ سهام اولیه را در دست داشت. عموماً اقتصاد برانست که بعداً سهام بیشتری خریداری شده است. سرمایه (۱۴) میلیون دلار - بانک تجارتی
- ۶ - بانک اخبارات صنعتی (۹) - سرمایه ۱۱ میلیون دلار - سرمایه مالی صنعتی برای کمپانیهای کوچک
- ۷ - ترینوال عمران (۳۰) از طریق بانک عمران - سرمایه ۱۲ میلیون ریال (۱۲۰۰۰۰۰ دلار) سرمایه گذاری - سرمایه ۱۲ میلیون دلار در خارج از کشور
- ۸ - مالی ایرانتیتر (از طریق بانک ایرانانتیتر ۲۱ سهام را در اختیار دارد) - سرمایه ۷۰ میلیون ریال (۸۰۰۰۰۰ دلار) - تجارت کالا و اوراق بهادار
- ۹ - ترست ناشنال و سکاسین، میلوکی، ایالات متحده آمریکا (۵) از طریق بانک عمران در اختیار دارد
- ۱۰ - هسیان، آسیاتیا - ایران (۱۱) - سرمایه ۱۰۰۰۰۰۰ دلار - گروه خدمات و سرمایه گذاری آسیا - تیا - ایران

ب - بیمه

- ۱ - بیمه ملی (۸۰) امروز تخمین میرود که مقدار این سهام بیشتر باشد. سرمایه ۱۵۰ میلیون ریال (۱۵ میلیون دلار) - مجموعه سرمایه اصلی حدود ۸۰۰ میلیون ریال

ج - بانکها

- ۱ - بانک تهران: در پیوند همگیتن و این بانک
- ۲ - در خوالی دربار خزر هتل و هتل جدید با پاسیو هتل جدید و قدیم خالینس، هایت، هتل جدید و قدیم

راسر -
 ۳ - ماتی: هتل خرشهر، هتل شیراز، هتل شهس، هتل بولی همدان، هتل آسلی، هتل شاهی، هتل آسلی آمل، هتل جدید سخت سر، هتل جدید قدیم گستر

- مجموع های توریستی / تفریحی
- ۱ - مجتمع نك آرتود: نزدیک خالینس (۱۰۰)
- ۲ - ویلاها: در راسر و بالسر (۱۰۰)
- ۳ - گازیوها: گازیو و کلوب راسر، هایت، جزیره کیش (۱۰۰)

۴ - هیئت توسعه جزیره کیش (۲۰) از طریق بانک عمران کنترل میشود - هتل، گازینو و با اتمام کار ... ویلا - ۵ - فرودگاه مهرآباد تهران: رستوران (۲۵)

مسکونی / تجاری

- ۱ - شرکت شهرآرام (بک) پروژه توسعه شهرک
- ۲ - پروژه بنگلو نزدیک تیاوران تهران (۲۱۹ واحد) (۱۰۰)
- ۳ - بلوک برج وک (سه بلوک پروژه ساختمانهای مسکونی و بازرجند طبقه) تهران (۱۰۰)
- ۴ - پروژه توسعه فرحزاد (۳۰) از طریق بانک عمران ساختمان ... ۳۵ واحد برای تیرتخته آن
- ۵ - لویت شهر (۲) شرکت در ساختمان شهر جدید ۵۰۰ میلیون دلار از طریق بانک عمران

سین الملی

- ۱ - ساختمان بنیاد پهلوی، خیابان پنجم/خیابان ۵۲ شهیورک (۱۰۰) ارزش شتی در سال ۱۹۷۵ ۱۴/۵ میلیون دلار

۲ - پروژه خیابان کانال، شهیورلکان (۲) بانک عمران شرکت در پروژه توسعه محلی عقیده بر اینست که این شرکته به نسبت - ۵/۵ با سرمایه گذاران محلی می باشد

ج - مالکیت صنعتی مواد ساختمانی

- ۱ - سیمان تهران (۲۵) - سرمایه ۱/۱۵ میلیارد ریال (۱۶ میلیون دلار) سیمان
- ۲ - سیمان فارس و خوزستان (۲) - درصد قابل توجه میباشد - سرمایه ۳/۵ میلیارد ریال (۴۹ میلیون دلار) سیمان

۳ - ایزانیت (۳۰) - سرمایه بریال ۴ - واردات سیمان آستنسوس، قالبهای جدیدی

۴ - بناسوز، سهام از طریق سیمان فارس و خوزستان کنترل میشود (۹۵) تولید مواد آستنسوس

۵ - مونتسکی (۳۵) - سرمایه ۱۲ میلیون ریال (۱۷۰۰۰۰ دلار) در ژوئن سال ۱۹۷۷ منحل شد - ساختمان بنده های فولادی

۶ - معدن سنگ واره (۴۰) - سرمایه بریال ۴ رسید - کنی به ساختمان مواد از کاربیز

صنایع مربوط به تولید اتوموبیل

۱ - حترال موتور ایران (۱۰) - سرمایه ۱/۵ میلیارد ریال (۲۱ میلیون دلار) مونتاژ بنده ماشین و کامیون - ۲ - ب. اف. گید ریج ایران (۹۷/۵) - گویا سهام تا ۴۵٪ بخاطر نقل و انتقال ۵۸٪ سهام کیانی مادر در آمریکا اضافه شده است - سرمایه ۹۱۷ میلیون ریال (۱۳) میلیون دلار - تولید لاستیک ماشین

۳ - هیکو (۱۰) در اختیار بانک عمران قرار دارد - رایج است که بنیاد مخفیانه ۴۵٪ سهام را در دست دارد - سرمایه بریال ۴ - سرمایه گذاری مشترک با ای - دی - او - برای درست کردن وسائل خانه سازی

مصرفه

- ۱ - ان - سن - آر - ایران (۳۸) - سرمایه بریال ۲ ماشین آلات حمایتاری
- ۲ - سه گو (۵) - سرمایه بریال ۴ - برای حفز جاه
- ۳ - کمپانی پوست و چرم ایران (۱۰۰) - سرمایه بریال ۴ چرمسازی
- ۴ - کمپانی پوست و چرم خراسان (۱۰۰) - سرمایه بریال ۴ چرمسازی
- ۵ - شرکت داروسازی داروخش (۹) - مشترکاً متعلق به بنیاد پهلوی و سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی (ای - او - اس - اس) - میباشد - سرمایه بریال ۲ - بز - گترین تولید کننده دارو در ایران
- ۶ - پوتین کارباید (پرتوریکو) - سرمایه بریال ۴ تولید باطری
- ج - چاپ، بنگاه انتشارات

۱ - بنگاه ترجمه و نشر کتاب (کمپانی ترجمه و توزیع کتاب) (۱۰۰) - سرمایه بریال ۴ - ترجمه کلاسهای خارجی و تجدید چاپ فارسی

۲ - بنگاه چاپ ۲۵ شهیورک (۲) - سهام از طریق شرکت در ای - او - اس - اس - کنترل میشود - سرمایه به بقده در صفحه ۷

- ۱- چاپ تمامی کتابهای مدارس که در ایران استفاده میشود.
- ۲- کمپانی چاپ و انتشارات دانش نو (۲٪) سرمایه ۶۰۰ ریال (۸/۵ میلیون دلار) کتاب برای جوانان.
- ۳- کارخانه تصفیه و تولید شکر.
- ۴- کارخانه شکر کرمانشاه (۲٪) سرمایه ۶۰۷ میلیون ریال (۸/۵ میلیون دلار) تبدیل چغندر رتند.
- ۵- کارخانه شکر همدان (۱٪) سرمایه ۶۰۰ ریال - خانه تصفیه و تولید شکر.
- ۶- کارخانه شکر کوار شیراز (۱/۷٪) سرمایه ۶۰۰ ریال - کارخانه تصفیه و تولید شکر.
- ۷- کارخانه شکر فریمان (۲٪) سرمایه ۶۰۰ ریال - کارخانه تصفیه و تولید شکر.
- ۸- کارخانه شکر تهران بزرگ (۲٪) سرمایه ۶۰۰ ریال - کارخانه تصفیه و تولید شکر.
- ۹- تولید گنیشت زیاران (۲۰٪) سرمایه ۶۰۰ میلیون ریال (۶/۶ میلیون دلار) تولید گوشت و فرآورده های گوشتی ۱۱۲۸.
- ۱۰- شلفاک ایران (۱۰٪) سرمایه ۵۰۰ میلیون ریال (۷ میلیون دلار) کشت و صنعت در خوزستان. در تولید.
- ۱۱- کمپانی بین المللی کشت و صنعت ایران (۲٪) سرمایه ۴۴۱ میلیون ریال (۶/۲ میلیون دلار) کشت و صنعت در خوزستان.
- ۱۲- کمپانی کشاورزی و صنعتی خوزستان (۱۰٪) سرمایه ۲۰۰ میلیون (۹/۸ میلیون دلار) کشت و صنعت در خوزستان.

در باره ر.ت.ت. تاثیرات عظیم انقلاب اکبر، کمپانی های شایان و مداوم و محکم شروع از جنبش های آزاد بیخ و حمایت پرولتاریا با اختر از خلفا و ملل متحد به و بالعکس همه و همه حقایق اثبات شده های هستند که مایه به تکرار ندارد و مایه به تکرار نیز بارها آنرا خاطر نشان کرده است. حال با این تفصیلات چرا بگفتیم شور؟ سه جهان؟ از این دم میزنند که قبل از جنگ جهانی دوم مبارزه ضد امپریالیستی ملل متحد به و غالباً فایده یشتیانی محکم و مداوم جهانی بود؟ جواب روشن است، زیرا اینان خواهان آن نسوع یشتیانی هستند که اجزای رژیمهای مترجم و امپریالیستی باشند و نه متحدین حقیقی ملل متحد به و یعنی پرولتاریا و کشورهای سوسیالیستی. اینکه گفته شود قبل از جنگ جهانی دوم امپریالیستی ملل متحد به و غالباً فایده یشتیانی محکم و مداوم جهانی بود است یک دروغ مضحک و تحریف و وارونه کردن تاریخ و لحین باشند به دستورهای انقلاب اکبر و جنبش بین المللی کمونیستی تحت رهبری لنین و استالین میباشد از کسانی که بی هیچ خیالاتی آنارکین و استالین را به سرد تزهاری ریزویونیستی خود وارونه کرده اند و بیشتر از این نیز نعیامت انتظار داشت.

مارکسیسم - لنینیسم یا میزود که مردم هر کشوری در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای نیل به استقلال و آزادی واقعی میتوانند و باید با کشورهای سوسیالیستی، پرولتاریا و خلفای متحد به و جهان که با آنها درازای منافع واحد و دشمن واحد هستند متحد شده و بتواند مایه به وین "بیک طرف حمایت شوند" والا پیروزی ممکن نیست. مایه به وین در ارتباط با متحدین بین المللی انقلاب چین گفت: "بله درست همینطور است. متعاقب شدن بیک طرف، اینست آنچه جبهه سال تجربه سون باتسن و بیست و هشت سال تجربه حزب کمونیست چین همسایه میآموزد و ما عموماً اینان را از کم برای نیل به پیروزی و برای تحکیم آن ما باید بیک طرف حمایت شویم" و چینی هسما یا در کنار امپریالیسم قرار میگیرند و یا در کنار سوسیالیسم استثنائی در میان نیست. برود و اسب نمیتوان مسواری کرد. و راه سوسیالیسم وجود ندارد. ما با نیروی داشته ارتجاعی چنانکیش که در کنار امپریالیسم جای دارد مخالفیم و با ایند اهرای مربوط به راه سوم هم مخالفیم (مایه به وین در باره د بنگتوری در مکتوب خلق تا کید از ماست) ما در عرصه بین المللی در کنار جبهه ضد امپریالیستی هستیم. و برای اینکه کمک واقعا دستمان ای بدست آوریم فقط میتوانیم با این سمت روکم و نه سمت جبهه امپریالیستی (همانجا).

در دنیائی که به طبقات متخاصم تقسیم شده است، تعیین دستمان و دشمنان انقلاب و مبارزه ضد امپریالیستی نمیتواند خارج از برخوردی طبقاتی انجسام

بند برود. مدافعین شور "سه جهان" همانگونه که در بخشهای قبل نیز اشاره شد، بجای جبهه ضد امپریالیستی که در اساس شامل کشورهای سوسیالیستی، پرولتاریا و خلفای متحد به و جهان میباشد، یک جبهه انتقالی از پرولتاریا و کشورهای سوسیالیستی، خلفا و ملل متحد به و جهان، رژیمهای مترجم و وابسته به امپریالیسم و حتی خود امپریالیستها را قرار داده و آنجسار را "یشتیانیان" مداوم و محکم مبارزه ضد امپریالیستی قلمداد کرده اند. آیا رژیمهای مترجم و وابسته اینستکه حیاتشان به موجودیت امپریالیسم و به ستمگری و استثمار طبقاتی و غارت و حیاول خلفا بستند است میتوانند "یشتیانی" خلفا در مبارزه ضد امپریالیستی باشند؟ آیا رژیمهای خرد بورژوازی و بورژوازی ملی که با دشمنان امپریالیسم و سوسیالیست پیوسته اجتماعی وابستگی دارند و نمیتوانند مبارزه تا آخر را بر علیه امپریالیسم به پیش برند و دارای موقعیت بنیادینی و متزلزل هستند نمیتوانند "یشتیانی" مداوم و محکم خلفا در مبارزه ضد امپریالیستی باشند؟ جواب تمام آن سئوالات بر روشنی منفی است و کسی که نتواند این اصول ابتدائی مبارزه طبقاتی را در زیاد کوچکترین بیخی از مارکسیسم - لنینیسم بردارد است.

بهره برداری از تضاد های درونی دشمن به هیچ وجه معنی وارد کردن آنها در زمره دستمان و متحدین خلفا و مبارزین علیه ارتجاع و امپریالیسم نیست. اینکه امروزه بر مبنای رشد تضاد میان امپریالیستها، که محتوی ارتجاعی در دشمنان قسم خورده آزادی و استقلال خلفا میباشد، امپریالیستها را برای و امثالهم اینجا و آنجا به مخالفت با این عملکرد آمریکا یا روسیه ترخواستماند، به هیچ وجه معنای آن نیست که این امپریالیستها ماهیت و جایگاه طبقاتی خود را معنای بخشی از آزاد گاه امپریالیسم و دشمنان قسم خورده آزادی و استقلال خلفا تغییر داده و حال "یشتیانی" مبارزه ضد امپریالیستی خلفا شده اند. دشمن دشمن من و دوست من نیست زیرا در دستمان من بر مبنای ماهیت طبقاتی آنها و جایگاه و نقش که در این مبارزه دارند تعیین میشوند و نه بر مبنای تضاد های درونی دشمنان. این چنین است بر خود پرولتاریا. قلمداد کردن امپریالیستهای اروپائی (با) اصطلاح "خروجی" مخالف تجاوز "بغایه" یشتیانی "مبارزه ضد امپریالیستی ملل متحد به و" معنای تبدیلی کردن جنبشهای آزاد بیخ وین به نالیه تضاد های درونی امپریالیستها و در حکم انحلال جنبش انقلابی است. بروایح است که پرولتاریا نمیتواند و باید از تضاد های درونی دشمن منظور قریبه زدن به دشمن غنچه و در تحلیل نهائی تصفیه و نابودی تمام جبهه دشمن استفاده کند و پرولتاریا بارها نیز چنین کرده است و لیکن هیچگاه مانند رژیم یشتیانی و سوسیال دمکراتهای انترناسیونال دوم، امپریالیستها و دشمنان قسم خورده آزادی و استقلال خلق ها را تا سطح "یشتیانیان" مبارزه ضد امپریالیستی ملل متحد به و ارتقا نداده است. امروزه جنبش قانونی چه در مورد امپریالیستها و تضاد های درونی شان در سطح بین المللی و چه در مورد مترجمین محلی و تضاد های درونی شان صادق است. ملخین شور "سه جهان" بیکاره محبتی تضاد های درونی امپریالیستها و سوسیالیستها ناشی از این تضاد ها را فراموش کرده و زیر لوای "وحدت جهانی سوم و جهان دوم" خلفا و ملل متحد به و را به وحدت با امپریالیستها که خود متحد به و استعمار خلفا مشغول اند دعوت میکنند. نقش کشورهای سوسیالیستی و پرولتاریا را در خعبات از آزادی ملل متحد به و سطح مانورهای امپریالیستها باین میآورند و بیک کلام خط منی ای یک دست ریزویونیستی را در ارتباط با متحدین خلفا و ملل متحد به و در مبارزه علیه امپریالیسم تبلیغ می نمایند.

شور "رشد نیروهای مولده" بجای انقلاب ملخین شور "سه جهان" علاوه بر تبلیغ و تسویه سازش میان خلفا با مترجمین کشورهای سفاقره و امپریالیسم نژادی پیوسته و ریزویونیستی - ترزومکیستی معروف به "رشد نیروهای مولده" را رنگ و روغن بی زده و آترابغنوان راد آزادی خلفا شان می دهند. بزمز اینان از آنجا که خلفا سه تاره، اساساً توانسته اند خود را از قید و بند سیاسی امپریالیسم نجات دهند، کافیتت تا برای تکمیل این "استقلال" اقتصاد کشور خود را گسترش داده و تولیدات داخلی را بالا ببرند و این امور را به دست خود گیرند. دست امپریالیسم کاملاً از کشورهایشان کنجا شده. سرمایه گذارهای غارتگرانه امپریالیستها نیز در کشورهای "جهان سوم" به دنیای جانیته عادلانه و مطابق "نظم اقتصادی بین المللی نوینی" باشند، نه تنها مانعی در مقابل استقلال و آزادی خلفا نیست، بلکه مانع نیز از تکمیل آنها و این سبب نیز

نیست که ملخین این شور سرمایه گذارها و دست اندازهای امپریالیسم را در کشورهای سه تاره "رشد اقتصادی" این کشورها قلمداد کرده و بشوایان غارت و حیاول سرمایه های امپریالیستی - کمپرادوری را برود و پیشی کرده و آنرا "رشد صنعت" و "رشد کشاورزی" اطلاق میکنند. برای نمونه رجوع کنید به آریزایبهای ایران در مورد اوضاع اقتصادی ایران و کشورهای شاه. در زمانیکه حتی خود امپریالیستها نیز به ناسیامانی صنایع و کشاورزی ایران اید دارند، اینان بدین هیچ شرمی دروغ میگویند و صحبت از رشد صنایع و کشاورزی ایران میکنند.

ریزویونیستهای روس به خلفا میگویند که نیازی به مبارزه انقلابی بر علیه امپریالیسم و سگان ریزویونیستهای خاطر سگونی این رژیم نیست و کافیتت بخش دولتی اقتصاد با همکاری بلیک کشورهای ریزویونیستی "رشد" نماید و آویفت این "رشد نیروهای مولده" است که بدین ریح تناسب قوا را در کشور بفع مردم بر هم زده و و خلفا خواهند توانست از طریق "راه رشد غیر سرمایه داری" بدین هیچ درگرفتی انقلابی به سوسیالیسم دست یابند. ریزویونیستهای "سه جهانی" نیز همین مضمون را به شکل دیگری بگوش خلفا میخوانند و میگویند: شما "استقلال سیاسی" را بدستاست که "بلطف" رژیمهای "انقلابی" بدست آورده اند. و امروز وظیفه اصلی و رانشین شما توجیه به استقلال انقلابی "رشد اقتصادی" و بالا بردن تولیدات داخلی و بر هم زدن نظم انحصار امپریالیستی بر بازار جهانی است.

حقیقتاً از این بهتر نمیتوان ریزویونیستهای بر دی امپریالیسم را بر دست و پای خلفا متحد به و جهان حفظ و توجیه کرد. استقلال اقتصادی بدین استقلال سیاسی غیر ممکن است و از ایند وجه استقلال سیاسی بروشنی عامل تعیین کننده و اساس است و بدین دست داشتن آن حرفی هم در باره استقلال اقتصادی نمیتوان زد. زیرا مسئله مرکزی هر انقلابی، همانطور که اموزگان مارکسیسم بارها تاکید کرده اند، قدرت سیاسی است و انقلاب نیز شور "سه جهان" با حل شده فرض کردن استقلال سیاسی و تسویه خلفا به مبارزه "اقتصادی" بدست آنها نقش استفاده کننده کارگر و نیروی کار برای سرمایه های امپریالیستی را به عهد گرفته است، بلکه آشکارا نشان داده که مدافع حفظ مناسبات نواستعماری کجوتی بوده و در مقابل انقلاب خلفا که تنها راه کسب استقلال و آزادی است، دستار است.

"جهانبان سوم" ریزویونیستهای خروشچی
خط منی ملخین شور "سه جهان" بویژه در ارتباط با نقش و جایگاه "کشورهای جهان سوم" با تزه و خط منی ریزویونیستهای خروشچی یکی است. این دو در واقع یک چیز را میگویند. ایند کسب استقلال اقتصادی را از استقلال سیاسی جدا کرده و بعنوان دو مرحله جدا از یکدیگر تلقی میکنند. اینان بدین ریزویونیستها وابسته را از نظر سیاسی مستقل جلوه میدهند و با در مواردی که این استقلال سیاسی را کامل نمیدانند آنرا تابع کسب استقلال اقتصادی و بوجود آوردن "نظم نوین اقتصادی" در سطح بین المللی و با مترجمان از این قبیل میکنند. احسان طبری در مقاله ای بنام "مرحله تازه در جنبش رها بیخش ملی" میگوید: "آنچه که ما آنرا مرحله تازه جنبش رها بیخش ملی" نامیدیم و برخی روزنامه نگاران آنرا شاعرانه "نفس دوم جنبش" مینامند، همین مبارزه برای استقلال اقتصادی است که بدین آن استقلال سیاسی صورتی فریبنده نبوی و بدین محسوس است. (دنیای، ۲، ۱۳۵۴). و در رساله های اخیر مبارزه کشورهای جهان سوم برای نیل به استقلال اقتصادی و کوتاه کردن جنگ آخته غارتگری امپریالیستها چنانچه بیان کردیم به برکت وجود شرایط مساعد جهانی و یشتیانی نیرومند کشورهای سوسیالیستی و انتقال بد ریحی جهان از محیط "سرد" به محیط همزیستی و نیز به برکت تراکم تجارت سیا سی و ایجاد زمینه های لازم اقتصادی (مانند ملی کردن مؤسسات امپریالیستی، بسط بخش دولتی) در داخل کشورهای جهان سوم و همگامی روز افزون این کشورهای در مقیاس بین المللی سرعت و حدت خان یافته و به صورت یک سلسله حوادث و اتفاقات مشخص در آمده است. ما در آغاز یک مبارزه بزرگ جهانی هستیم که نتایج آن چنانست که امپریالیستها خوب درک میکنند برای تاجگری امپریالیستی بیش از پیش متوجه خواهند بود. تصورش را بکنید اکنون مجتمع کشورهای سوسیالیستی که در شورای تعاون اقتصادی همکاری دارند ۳۹۹ رصت تولید جهانی را در دست دارند و تا سال ۲۰۰۰ این رقم با توجه به تجارب گذشته قاعدتاً از مرز ۵۰۰ رصت خواهد گذشت. اگر بقیه در صفحه ۸

دنیاراه...
کشورهای جهان سوم نیز به میزان ۲۰ - ۲۵ درصد برسد
آنگاه از "شمشع" استعماری و نواستعماری "جهان
غربی" نیز زیاده نخواهد ماند. و این کشورها باید از
استند آفاقی و فرمانروائی فرود آیند و در جای شایسته
خود قرار گیرند" (همانجا)

رویزونیستهای خروشنجی خلفا، ملان مستد پسند
جهان را به سازش با مرتجعین این کشورها ترغیب می-
کنند و حامی درجه اول رژیمهای "کشورهای جهان سوم"
و بویژه "مبارزه اقتصاد آنها هستند. بشرط آنکه این
رژیمها به حمایت از ابر قدرت شوروی برخیزند و راه رشد
غیرسرمایه‌داری را در پیش گیرند. ملتین کوچکی تئوری
"سه جهان" نیز همین حمایت را از رژیمهای سرسپرده
انجام میدهند، اما بشرط آنکه آنان به مخالفت با امپری-
قدرت شوروی برخیزند. این دو راه کیفیتا یکی هستند
و در وقت یک سکه را تشکیل میدهند.

رویسناد هسای نوسین و "معیارهای نوین"
بقول لنین روزیونیسیم عموما بر پایه "تغییرات جدید"
شرایط نوین " خود را توجیه میکند. روزیونیسیم نوپسا
نیز برای توجیه روزیونیسیم خود یای "تغییرات نوسین"
و "شرایط تازه" را پیش میکند و با استناد باین "تغییرات"
مستوی اساسی عصر جاسفرا تخفیر میدهد.

بر خود باین تغییرات و خاصه آنچه در ده گذشته
در عرصه جهانی در ارتباط با پوتعیست‌پاره‌ای از کشور-
های سه قاره رخ داده و برای انقلابیون مهم است و زسرا
به نین رنظیرگرتن این تغییرات و وارد گردن نماند ریبج و خم
انقلاب نمیتوان به تانکیک مناسب مارکسیستی در برخورد
به شرایط جهانی دست یافت. گنیمت تانکیک زیرا بر
این عقیده ایم که طبعی کلبه این تغییرات، خصوصیت
اساسی عصر ما عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری گما-
کان دست نخورد بهائی مانده است و در نتیجه استراتژی
عمومی انقلاب جهانی که بر پایه تضاد های اساسی موجود
در این عصر طرح گردیده اند نیز در اساس تغییر-
نکرده است.

در بخشهای گذشته ما به تغییراتش که در صفتندی
امپریالیستهای رخ داده است و نتایجی که باید از آنها
گرفت اشاره نمودیم و در اینجا ضرورت است تا به یارهای روز
یاد آید. نوین در عرصه کشورهای سه قاره اشاره نمائیم.
جنگ جهانی دوم چون هر جنگ امپریالیستی دیگر
از جمله به سبب داری هر چه بیشتر خلفا: و ملل مستد یده
جهان دامن زد و از سوی دیگر مجموعه سیستم امپریا-
لیستی را ضعیفتر نمود و ما چه در دوران جنگ و چه
پس از آن شاهد رشد هر چه بیشتر نهضت‌های آزاد بخش
بود ایم. خصوصیت دیگر این جنگ در این بود که در
بروسه آن از آنجا که توجه اساسی امپریالیست‌ها به صنایع
جنگی و جنگ بود، پیروزی ملی در بسیاری از کشورهای
مستعمره و نو مستعمره فرصت نفس کشیدن و دست یافتن
به موقعیت اقتصادی و در نتیجه سیاسی بهتری را بدست
آورد. بر برستریست‌ها مبارزات آزاد نخواهند خلق‌های
مستد یده و در شرایط پایان جنگ و تغییر معادله قدرت
در از رگاه امپریالیستی ما شاهد یقدرت رسیدن با رقت-
ای از ولت‌های شرقی و نیمه شرقی در برخی از کشورها
از جمله مصر است در ایران عناصر دیمیسور - هستند-
یارهای از این دول مانده. صدق پس از یک دوره بوسنیله
تتباجم امپریالیسم سرنگون شدند و طبقات مترجع و پاره
زمام امور را کاملاً در دست گرفتند و پاره‌های نیز تا نغذی
با برجا ماندند. در ادامه این حرکت ما همچنین شاهد
بقدرت رسیدن رژیمهای خرد و پیروزی از طرف گوناگون
(مانند الجزایر بر مستر مبارزه انقلابی توده ها، و لیبی
از طریق کودتای نظامی و امثالهم) نیز بودیم و همین
حرکت به اشکال گوناگون در پاره‌ای از کشورهای افریقای
و آسیای نیز تحقق یه یافت.

بوجود آمدن این رژیمهای خرد و پیروزی یابورو-
زی ملی، با نگر یک یه یه نوین البته از لحاظ وسعت و
کمیت آن میباشد. این رژیمها همانطوریکه پیشتر گفتیم
دارای موقعیتی بنیانی و جززلزل میباشند و تا حدی و
در جوانی به مبارزه بر علیه امپریالیسم رویا آورند. گسه
تا این حد نیز مبارزه آنها جنبه شرقی دارد. این رزنت
نیها به سبب ماهیتشان و ابعاد محدوده مبارزه ایکه بر
علیه امپریالیسم انجام میدهند. با خود انطباق و شیوه
خاص مبارزه خود را در مبارزه علیه امپریالیسم بهسمراره
آورد و با یک یگر به برقراری مناسباتی بر داختند. ازس
دیگر این حرکت از جانب پاره‌ای از آنها و همچنین روزی-
ونیستهای تئونیستی "بعنوان "راه سوم" یعنی راه
میان امپریالیسم و سوسیالیسم تئوری شده. در نتیجه
این حرکت از یک سو به امپریالیسم خربه زد و بنوه خود
موجبات تضعیف بیشتر امپریالیسم را فراهم آورد و از سوی

دیگر در حد رفوم باقی مانده و از جانب روزیونیست‌های
تئونیستی معنایه آزاری برای کوبیدن سوسیالیسم و کمور-
نیم تئوریزه گردید. برولتاریا در عین اینکه باید از این
حرکات پشتیبانی نماید، باید به افشای مضمی سیاسی و
محدودیت آن پرداخته و به هیچ روی به آن دل نبندد چه
رسد به اینکه آن را "تئوری عده انقلاب جهانی" بشما-
رد.

همزمان با این رژیم‌ها ما شاهد تشدید هر چه
بیشتر تضاد های درونی امپریالیست‌ها ناشی از قانون رشد
ناموزن سرمایه داری بوده و با ورود شوروی به ارد گناه
امپریالیسم با ابعاد جدید این مسأله روبرو میباشیم.
با تشدید تضاد های درون امپریالیست‌ها، ما شاهد تشدید
تضاد میان جنبه بندی‌های مختلف امپریالیستی بودار-
شایط با آنها محافل وابسته به این یا آن جناح در کشور-
های وابسته هستیم که هم در چارچوب تجمع بحسران
امپریالیستی قابل فهم هستند. تشدید این تضادها
موجب یبدا این مانورهای و حرکاتی از جانب پاره‌ای محافل
وابسته به این یا آن جناح امپریالیستی شده است که
در ظاهر بصورت مبارزه علیه امپریالیسم متبلور میبند و
لیکن در محتوی در چارچوب مناسبات امپریالیستی می-
گردد. این حرکات در عینحال بصورت مانورهای از جا-
نب رژیمهای وابسته در مقابل رشد هر چه بیشتر خواسته
های آزاد خواهی و ضد امپریالیستی خلفا، به منظور
فریب آنان انجام یه یرد. حال چنانچه سیاست‌های امپری-
الیسم آمریکا (در کترین نیکسون) و امپریالیسم شوروی
(در کترین برنزد) را که در حقیقت بصورت مسلح کردن
و سپردن کارها بدست پاره‌ای رژیمهای وابسته یعنی
زندارم امپریالیسم و نقاشی کردن چهره این رژیمها
بعنوان رژیمهای " مستقل " میباشد را اضافه کنیم تصویری
عمومی از روند اد‌های معاصر در کشورهای سه قاره را بد-
ست خواهیم آورد.

در نتیجه حرکتی که امروزه زیر لوی " حرکت مستقل و
انقلابی کشورهای جهان سوم " معرفی میشود، در واقع
ملقمعی از مبارزه شروط و نایا بد در رژیمهای خرد و پیرو-
زی بر علیه امپریالیسم، مبارزه درونی امپریالیست‌ها و انعکس
شدن این مبارزه در مبارزه رژیمهای وابسته به آنها وجود
آید. مضمندی در این زمینه ها میان جناح بندی‌های
مختلف و مانورهای فریبکارانه پاره‌ای از رژیمهای ارتجاعی،
و بالا خرد و سیاسی آگاهانه امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپری-
الیسم شوروی که میخاهند بر این حرکات سوار شده و از
آب گل آلود ماهی بگیرند، میباشد.

برولتاریا در برخورد به این حرکات، باید در درجه
اول سره را از ناسره جدا کرده ماهیت و نقش و جایگاه هر
یک را نشان دهد و بقل رفیق انور خوجه: باید مردم را
آشکارا در جریان امر گذاشت. زیرا فقط بدین طریق است
که به اتحاد واقعی آنها به اتحاد ولت‌ها و حکومت‌های
واقعا ضد امپریالیست و مرفی کمک میشود. برای متحد
کردن مردم در مبارزه بخاطر آزادی و استقلال و پیشرفت
اجتماعی و بر علیه نفا و استثمار بوسیله هرکسی در مرحله
اول لازم است که خط فاصل کشیده شود. تا روشن شود
چه کسی دشمن اصلی میباشد، بر علیه چه کسی باید
بجنگند و یا چه کسانی باید متحد شوند. ("انورخوجه -
گزارش به کنگره هجتم حزب کار آلبانی)

برولتاریا باید به تودیه حقیقت را بگوید و اجازه
ندهد که خود یا خلفا بر دام مانورهای امپریالیسم
و ارتجاع گرفتار شوند. زیرا عدم افشای مانورها و حرکات
مرتجعین و بویژه افشای زواویه و مضمون این حرکات،
توده‌ها را گمراه کرده و مبارزه آنان بر علیه مرتجعین وابسته
به امپریالیسم را سست میکند. و در نتیجه به تحکیم و حفظ
سلطه امپریالیسم یاری میرساند.

ملتین تئوری " سه جهان " به حساب " شرایط نوین
بین " و " حرکات نوین " توده‌ها را گمراه کرده و با تئوری‌ها
روزیونیستی شان خلق و ضد خلق و طبقات متخاصم را یکی
میکردند و در نتیجه برای امپریالیسم و مرتجعین کشورهای
چارو کشی میکنند. طبیعتا تغییرات و روند اد های نوینی
رخ داد مانده و ولیکن این روند اد های نوین بهیچوجه
معیارهای " کین " را نغنی نکرده و بجایشان معیارهای
" نوین " نمیشانند. زیرا اصول مارکسیسم - لنینیسم خد شه
نایه برند و هیچ رژیم مرتجعی را نمیتوان با این لا طاری
ثلاث انقلابی و بخشی از تئوری انقلاب جهانی بحما-
آورد.

مؤخره

تئوری " سه جهان " یک تئوری سرانجام روزیونیستی و
ضد انقلابی است و امروز میزند ی با آن یکی از معیارهای
اساسی با افشای بری مارکسیسم - لنینیسم و اینترناسیونا-
لیسم پرولتری است و پیروی از آن معنای جز خبیانت
به برولتاریا و پشت با زدن به انقلاب ندارد.

در جنبش مردم ما کسانی هستند که تمام و کمال هوا-
دار این تئوری روزیونیستی اند و بین هیچ تعاریفی می-
کوشند. جنبش انقلابی مردم ایران را به سازش با ارتجاع
و امپریالیسم و جنبش کمونیستی را به دنباله روی از پیرو-
زی بکشانند. این جریان در شرایط خاص میهن ما و
با توجه به استند اد و فاشیسم آشکار و لجام سببند ارد
تجاج ایران، این مقصد را نمیتوانند آشکارا بیان کنند
و در نتیجه در برنامه سیاسی شان میکوشند تا از یکسو
جنبش مکرراتیک و آزاد یخواهانه مردم را در چارچوب بر-
نامه سیاسی پیروزی لیبرال محدود نمایند و از سوی
بلکه میکوشند جنبش را نیز بدین راه بکشانند. تودیه
اصلی را بسوی امپریالیسم شوروی و نوکران بوسی اش بکشا-
نند. بر این مبنی ایشان نه تنها خود را یک سته به آغوش
پیروزی لیبرال انداختند (که از زانی خود شان باد)
بلکه میکوشند جنبش را نیز بدین راه بکشانند. در ارد سته
سازمان " انقلابی " حزب توده از این نقاشی است. ایشان
چنان به اعناق انحطاط در غلظتیه اند که کاری جز
کله به زراد خانه روزیونیست‌های روسی و نوکران ایرانیان
نکرده و از جمله موامی هستند که کمیته مرکزی حزب توده
با بهره گیری از مواضعشان به جنبش راستین کمونیستی
ایران تاخته و مواضع ضد انقلابی و سازشکارانه این دار-
د سته را بعنوان سند " خیانت " جنبش نوین کمونیستی
و برائت خود از مهر خبیانت و سازش که پرولتاریای ایران
به دست ی برایشان زده است، علم کرده است. جنبش
کمونیستی ما باید جریان‌های از این قبیل را کاملاً از صحن
خود طرد کرده و نگذارد که این لنگه زرد رخن انقلابی را
آلوده کند.

غیر از این جریان‌ها دیگری نیز هستند که ظاهرا
مدافع "تعمیر" انقلابی " از تئوری " سه جهان " هستند.
ایشان با برده بوسی بر ماهیت واقعی تئوری " سه جهان "
برای این تئوری تغییرهای خود ساختهای میآورند، در
حالیکه مثل روز روشن است که میان مارکسیسم و روزیونیسم
راه سویی نیست. نمیتوان هم مدافع انقلاب خلفا و ملل
مستد یده بود. وهم رژیمهای که این خلفا را به بند
کشیدمانند را: نیروی عده انقلاب جهانی " معرفی کرد.
نیتوان هم معتقد به لزوم انقلاب سوسیالیستی در کشور-
های امپریالیستی ویا معتقد به تشدید جنگ امپریالیستی
به جنگ داخلی بر علیه پیروزی " جهان دوم " و
یوه مدافع اتحاد برولتاریا و پیروزی " جهان دوم "
و مخالف بود. اگر در گذشته در آغاز طرح و خوان این
تئوری، ایشان بخاطر تغییر های آزاد خود از آن، تعابیر
" مختلف " انقلابی " و " ضد انقلابی " بدست میدادند، امروز
در شرایط این تئوری مسأله تازوشنی وجود ندارد. در
نتیجه امروز سخن گفتن از "تعمیر" انقلابی تئوری سه
جهان " و ترک اشتباهی " انقلابی " از این تئوری چیزی جز
سستیه و عوام فریبی " بوده و ضریقا در خد توده برده و پشانک
بر ماهیت یک سته روزیونیستی این تئوری است.

ملتین تئوری " سه جهان " برای قبول ندن این تئوری
به جنبش کمونیستی بی هیچ شرقی در آموزش‌های بزرگان
مارکسیسم دست برده و تجارب تاریخی را وارونه کرد مانده
و هیچ مارکسیست - لنینیست نیاید متعجب این کلاسیها
شود. روزیونیست‌های خروشنجی برای " اثبات " درستی
گذار مسأله " آیزن " و " دولت تمام خلق " و دیگر تروا شت
تئوریک روزیونیسم مدین همین شیوه را به پیش گرفتند و
لیکن نتیجهای ندادند، و مارکسیست - لنینیست‌های راستین
با یا فشاری بزرگی اصول خد شه نایه بر برولتاریا ماهیت
واقعی این تزه‌های روزیونیستی را نشان دادند. سرنو-
شت تلاش‌های مذبحخانه روزیونیست‌های نوا نیز جز این
نخواهد بود.

بیان

حقیقت را بخوانید و در میان مردم پخش کنید!

توجه

به آدرس و حساب بانکی جدید ما توجه کنید!

آدرس پستی ما :
I. P. S. C.
P. O. BOX 6043
42443 ANGERED
SWEDEN

حساب بانکی ما :
I. P. S. C.
PKBANKEN
KÖNTONR: 33823023700
SWEDEN